



درباره کارنامه «سید ابراهیم نبوی» که دور از وطن درگذشت

در حسرت آخرین لبخند در وطن

تجربه ابراهیم نبوی در روزنامه‌نگاری و طنزپردازی به نسل‌های بعدی کمک کرد تا در دشوارترین شرایط به دنبال حقیقت بروند

گرایش به طنز اجتماعی و ادبیات انتقادی، نبوی را به چهره‌ای محبوب و تاثیرگذار در میان نسل جوان تبدیل کرد

روزنامه سامع

سال بیستم | شماره پیاپی ۳۰۴۲ | شنبه ۲۹ دی ماه ۱۴۰۳ | قیمت ۵ هزار تومان

www.payamema.ir

خطر تخریب گورهای باستانی چگاسفلا؛ کشفی که تاریخ ایران را در کرانه‌های خلیج فارس بازنویسی کرد و به ۶ هزار سال قبل بازگرداند

هزاران شاهد ۶ هزار ساله خلیج فارس در کام فاضلاب

سیدمحمد بهشتی: حفظ چگاسفلا ضرورت ملی و سیاسی است



گفت‌وگو با میلادکیایی، موسیقیدانی که با ریتم طبیعت می‌نوازد

روایت طبیعت با سنتور

داستان ۲۵۰ ساله پایتخت ایران

هانی رستگاران، روزنامه‌نگار

قرص‌هایی که طبیعت را بیمار می‌کنند

آزاده ابوطالبی، روزنامه‌نگار

رؤیایی دور از واقعیت مکران

زهرا مشتاق، روزنامه‌نگار

دوگانگی دردناک انسان و طبیعت

فاطمیناصاری، روزنامه‌نگار

زنجان

پیشرفت فیزیکی ۷۰ درصدی سد مرانش در ماهنشان

مژده سرداری - مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای زنجان از پیشرفت فیزیکی ۷۰ درصدی ساخت سد مرانش در شهرستان ماهنشان خبر داد و گفت: سد مرانش در حال اجراء است و نیاز آب شرب شهرهای ماهنشان، دندی و ۱۲۲ روستای مسیر را به میزان چهار میلیون متر مکعب و نیاز آبی صنایع مستقر در منطقه را به میزان ۲.۵ میلیون مترمکعب تأمین می‌کند. او اظهار داشت: همچنین با احداث این سد و خط انتقال آن، نیاز زیست‌محیطی منطقه به میزان ۵.۵ میلیون متر مکعب و حقایق کشاورزی سد پایاب نیز در حجم ۲.۴ میلیون متر مکعب تأمین می‌شود. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای زنجان با بیان اینکه هم‌اکنون چهار سد در استان شامل سد های تهم، تالوار، کینه ورس و گلابر در حال بهره‌برداری است، گفت: سد های شمشیا، بلوین و مرانش هم از سد های مهم در دست ساخت در استان است.

فارس

خط آبرسانی لارستان طی عملیاتی شبانه، هم‌زمان در دو منطقه ترمیم

سعیده ناصری - با تلاش شبانهٔ اکیب تخصصی اتفاقات خط آبرسانی لارستان، اتفاقات این خط آبرسانی در دو نقطه از آن، مرمت و ترمیم شد. به نقل از نادر معین مدیر خط آبرسانی لارستان از سد سلمان فارسی، خط انتقال ۵۰۰ کیلومتری GRP این مجموعه آبرسانی در دو ناحیه نیاز به ترمیم داشت که پس از کارشناسی و تشخیص محل و میزان اتفاقات، اکیب بهره‌برداری و رفع اتفاقات این مجموعه بزرگ آبرسانی شبانه وارد عملیات بازسازی شده و اتفاقات مذکور را در کمترین زمان ممکن ترمیم و وارد مدار بهره‌برداری کردند. مدیر خط آبرسانی لارستان از سد سلمان فارسی در همین رابطه گفت: در این عملیات لوله دو سر کوبلینگ خط انتقال ۵۰۰ کیلومتری در امام شهر تعویض شد. او افزود: در عملیات هم‌زمان دیگر تأسیسات حوضچه تخلیه خط انتقال ۵۰۰ کیلومتری در حوزه شهر کارزین به طور کامل تعویض و بهسازی گردید. معین خاطر نشان کرد: آب مورد نیاز شهرها و روستاهای تحت پوشش این خط آبرسانی در ساعات عملیات بازسازی از طریق مخازن ذخیره و جاهای آب موجود، تأمین شد. گفتنی است: خط آبرسانی لارستان به طول ۲۲۰ کیلومتر، از تصفیه‌خانه آب حضرت ابیطالب (ع) در شهرستان قیروکارزین آغاز و ۱۰ شهر جنوبی استان شامل امام شهر، کارزین، خنج، اوز، گراش، قیر، لار، فیروز، خور، لطفی و ۴۰ روستای واقع در مسیر این خط را آبرسانی می‌کند.

خراسان شمالی

با حضور مدیران صنعت آب و برق استان خراسان شمالی؛ نشست هم‌اندیشی و تبیین برگزاری نخستین جشنواره مجازی ایثار

ام‌البنین استادی - نشست هم‌اندیشی و تبیین برگزاری نخستین جشنواره مجازی ایثار و شهادت با نام «آوای جان‌فشانی» در محل شرکت آب و فاضلاب خراسان شمالی برگزار شد. به گزارش دفتر روابط عمومی و ارتباطات مردمی شرکت آب و فاضلاب خراسان شمالی؛ با حضور ویدئو کنفرانسی شهرهای مشاور وزیر نیرو در امور ایثارگران وزارت نیرو و مقدم رئیس کارگروه ترویج فرهنگ ایثارگران و فراستی دبیر کارگروه ترویج فرهنگ ایثارگران وزارت نیرو و مدیران صنعت آب و برق استان خراسان شمالی نشست هم‌اندیشی و تبیین برگزاری نخستین جشنواره مجازی ایثار و شهادت، با نام «آوای جان‌فشانی» در محل شرکت آب و فاضلاب خراسان شمالی برگزار شد.

قزوین

بازدید استاندار قزوین از سد بالاخانلو و شبکه آبرسانی این سد



آبگیری است. او در خصوص احداث سد مخزنی بالاخانلو تصریح نمود: سد بالاخانلو بر روی رودخانه حاجی‌عرب در حال احداث بوده و حدود ۸۷ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. ستوده اظهار داشت: هزینه ساخت این سد ۱۴۵۰ میلیارد تومان است که تاکنون حدود ۵۷۰ میلیارد تومان هزینه شده است و امیدواریم با همراهی و مساعدت استاندار و نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اعتبار مورد نیاز با هدف تسریع در روند اجرایی به پروژه تخصیص یابد. او ادامه داد: تخصیص ۲۰۰ میلیارد تومان نقدینگی به پروژه تا پایان سال جاری می‌تواند گام مهمی جهت رسیدن این سد به مرحله آبگیری باشد. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای قزوین با اشاره به اهداف ساخت سد بالاخانلو گفت: مهمترین هدف ساخت این سد تأمین بخشی از نیاز آب شرب ۵ شهر و ۳۰ روستای جنوب استان به میزان ۵ میلیون مترمکعب در سال است. ستوده همچنین اظهار داشت: برای اینکه بتوانیم آب شرب را به شهرها و روستاهای هدف منتقل کنیم در پایین‌دست سد بالاخانلو، با اخذ ردیف اجرایی در سال ۱۴۰۲، از سال گذشته عملیات اجرایی احداث خط آبرسانی از سد نیز آغاز شده است.

زهره شریفی - استاندار قزوین به همراه نمایندگان مردم شریف بوئین‌زهره و اوج و تاکستان در مجلس شورای اسلامی، سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، فرمانداران شهرستان‌های بوئین‌زهره و تاکستان و مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای قزوین از مراحل اجرایی احداث سد بالاخانلو و سامانه آبرسانی آن در شهرستان بوئین‌زهره بازدید به عمل آورد. به گزارش روابط عمومی شرکت آب منطقه‌ای قزوین، محمد نوری استاندار قزوین با هدف بررسی روند پیشرفت پروژه‌های سدسازی و تأکید بر اهمیت مدیریت منابع آبی استان در بازدید از سد و سامانه

خبر

آخرین وضعیت عفونت‌های تنفسی در کشور

آنفلوآنزا در صدر

سرپرست مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت گفت: آنفلوآنزا همچنان در صدر بیماری‌های تنفسی در گردش قرار دارد. دکتر قیاد مرادی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره آخرین وضعیت عفونت‌های تنفسی گفت: آخرین آمار و ارقام مربوط به عفونت‌های تنفسی برای اواسط هفته گذشته (هفته سوم دی ماه) است و بر مبنای این اطلاعات، ۳۰ درصد عفونت‌های تنفسی برای بیماری آنفلوآنزا است. بر مبنای این آمار، ۳۰ درصد عفونت‌های تنفسی در کشور، آنفلوآنزای H1N1 است. وی با بیان اینکه الگوی عفونت‌های تنفسی کشور مانند بسیاری از کشورهای نیم‌کره شمالی است، اظهار کرد: فصول پاییز و زمستان در نیم کره شمالی معمولاً برای انتشار، تکثیر و انتقال عفونت‌های تنفسی، فصول مناسبی هستند. کشورهایی که در نیم‌کره شمالی قرار دارند با عفونت‌های تنفسی درگیر هستند. سرپرست مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت درباره وضعیت عفونت‌های تنفسی در گردش گفت: در حال حاضر، آنفلوآنزا با سهم ۳۰ درصدی در صدر عفونت‌های تنفسی قرار دارد. پس از آنفلوآنزا، RSV (ویروس سینسیشیال تنفسی) با حدود ۹ درصد در جایگاه دوم قرار دارد. همچنین سهم

کشور، ویروس HMPV را بسیار ترسناک جلوه می‌دهند و من بر این باور هستم که آسیب‌زدن به روح و روان مردم پسندیده نیست. سرپرست مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت گفت: شرایط کنونی، فصل مناسب برای انتقال عفونت‌های تنفسی است. به نظر می‌رسد که ویروس HMPV یک بیماری جدید نیست اما رفتار ویروس‌ها هم قابل پیش‌بینی نیست. اگرچه رفتار ویروس‌ها قابل پیش‌بینی نیست اما شرایط اضطراری اعلام نشده است. مرادی گفت: اگرچه ویروس HMPV طی ماه‌های گذشته در سال جاری و سال‌های گذشته در کشور شناسایی شده اما در حال حاضر این ویروس در میان عفونت‌های تنفسی در گردش کشور حضور ندارد. وی با بیان اینکه رعایت نکات بهداشتی در این روزها بسیار ضروری است، توضیح داد: رعایت آداب بهداشتی، پرهیز از حضور سالمندان به ویژه افراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای در محل‌های پرترافیک جمعیتی، استفاده از ماسک، شست‌وشوی مداوم دست‌ها، ماندن در منزل در صورت وجود علائم بیماری و استفاده از دستمال در زمان سرفه و عطسه در پیشگیری از عفونت‌های تنفسی، بسیار تاثیرگذار هستند. گفتنی است: پیش از دکتر علیرضا بیسی - معاون بهداشت وزارت بهداشت به ایسنا اعلام کرد که آنفلوآنزا سیر نزولی گرفته است اما همچنان بر رعایت بهداشت منتشر نکرده‌اند. هیچ شرایط اضطراری درباره این ویروس در جهان منتشر نشده است. برخی رسانه‌های

کدام راه برای بحران آب بهتر است؟



ا مهدی زارع |

ا عضو شاخه زمین‌شناسی فرهنگستان علوم تهران |

کمبود آب در ایران، به‌ویژه در مناطق خشک مرکزی که اکثریت جمعیت در آن ساکن هستند، یک مسئله حیاتی است. دو روش پیشنهادی برای پرداختن به این موضوع عبارتند از: جابه‌جایی جمعیت انبوه به‌سمت مناطق ساحلی در امتداد سواحل خلیج فارس و دریای مکران و انتقال آب شیرین‌شده به مناطق خشک مرکزی. هر روش دارای مزایا و چالش‌های خاص خود است که باید مورد ارزیابی قرار گیرد. این روش‌ها در پرسش رئیس‌جمهور، پرتشکیان، نیز در ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۳ در جستجویِ راه‌حلِ درازمدت بحران آب در ایران مطرح شد. جابه‌جایی جمعیت‌ها به مناطق ساحلی می‌تواند از نظر تئوری فشار بر منابع آب در مناطق خشک را کاهش دهد. بااین‌حال، عوامل متعددی این رویکرد را پیچیده می‌کند. سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی برای توسعه زیرساخت‌ها مانند مسکن، حمل‌ونقل، مراکزهای بهداشتی و آموزش در مناطق ساحلی مورد نیاز است. این ممکن است سال‌ها یا حتی دهه‌ها طول بکشد تا به‌طور مؤثر اجرا شود. بسیاری از مردم به دلایل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیوندهای ریشه‌ای با مکان فعلی خود دارند. جابه‌جایی جمعیت بزرگ منجر به اختلال قابل‌توجه در معیشت می‌شود. مناطق ساحلی با چالش‌های زیست‌محیطی خاص خود مانند زلزله و سونامی و بالا آمدن سطح دریاها و آسیب‌پذیری در برابر اثرات تغییراقلیم مواجه‌اند. علاوه‌براین، تراکم بیشتر جمعیت اکوسیستم‌های محلی را تحت فشار قرار می‌دهد. جستجوی جابه‌جایی میلیون‌ها نفر باتوجه‌به چشم‌انداز سیاسی-اجتماعی کنونی دشوار است. درحالی‌که جابه‌جایی جمعیت‌ها مزایای بلندمدتی در مورد دسترسی به آب دارد، چالش‌های لجستیکی، اجتماعی و زیست‌محیطی قابل‌توجه، آن را به‌عنوان یک راه‌حل فوری غیرقابل‌اعتماد می‌کند. درعوض در کوتاه‌مدت انتقال آب شیرین‌شده شامل نمک‌زدایی آب خلیج فارس یا دریای مکران و انتقال آن به مناطق خشک مرکزی راه‌حل در دسترس‌تری به‌نظر می‌رسد. نمک‌زدایی منبع مستقیم آب شیرین فراهم می‌کند که برای آب آشامیدنی، کشاورزی و صنعت بدون نیاز به جابه‌جایی جمعیت استفاده شود. پیشرفت‌ها در فناوری نمک‌زدایی، آن را در سال‌های اخیر از نظر انرژی کارآمد و مقرون‌بصرفه کرده است. نوآوری‌هایی مانند اسمز معکوس هزینه‌های عملیاتی را به میزان قابل‌توجهی کاهش داده است. ضمناً کارخانه‌های نمک‌زدایی را می‌توان براساس تقاضا و بودجه موجود به‌صورت تدریجی ساخت. این موضوع برنامه‌ریزی باتوجه‌به رشد جمعیت یا تغییرات نیاز آب را ممکن می‌سازد. البته در این مورد هم چالش‌های گوناگونی وجود دارد. نمک‌زدایی انرژی‌بر است. تکیه بر خودتأمین فسیلی یا منابع انرژی تجدیدپذیر به‌نوبه خود به انتشار بیشتر گازهای گلخانه‌ای می‌انجامد. ساخت کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه قابل‌توجهی دارد. هنگام ارزیابی پایداری بلندمدت، هزینه‌های عملیاتی جاری نیز باید در نظر گرفته شود. از سوی دیگر، این فرآیند نیازمند آب، نمک تولید می‌کند که درصورت عدم مدیریت صحیح در حین دفع به اکوسیستم‌های دریایی آسیب می‌رساند. هنگام ارزیابی امکان‌سنجی اقتصادی دورورش پیشنهادی برای رسیدگی به کمبود آب در ایران، جابه‌جایی جمعیت به مناطق ساحلی در مقابل انتقال آب شیرین‌شده به مناطق خشک مرکزی- باید عوامل متعددی از جمله هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه، هزینه‌های عملیاتی، پایداری بلندمدت و اثرات اقتصادی بالقوه در جریان محلی در نظر گرفته شود. پس از ایجاد و توسعه شهرهای ساحلی، هزینه‌های عملیاتی مداوم برای حفظ زیرساخت‌ها در مناطق جدیداً توسعه‌یافته نیز قابل‌توجه است. در دوره انتقال جمعیت به مناطق ساحلی -دوره گذار- کاهش بهره‌وری و بازده اقتصادی رخ می‌دهد؛ زیرا زمان می‌برد تا مردم با محیط‌های جدید سازگار شوند. انتقال جمعیت به‌سمت مناطق ساحلی جنوب ایران، مانند مناطق حاشیه خلیج‌فارس و دریای مکران، شامل اولویت‌های متعددی است که باید برای اطمینان از انتقال موفقیت‌آمیز مورد توجه قرار گیرد. این اولویت‌ها جنبه‌های مختلفی از جمله توسعه زیرساخت‌ها، فرصت‌های اقتصادی، پایداری زیست‌محیطی، یکپارچگی اجتماعی و حکمرانی را در بر می‌گیرد. باید مسکن مناسب ساخته شود تا جمعیت ورودی را در خود جای دهد. مدارس، بیمارستان‌ها و امکانات تفریحی نیز خدمات ضروری هستند که باید در ناحیه ساحلی و شهرهای جدید مستقر شود. ایجاد صنایع و مشاغل در مناطق ساحلی باید در اولویت قرار گیرد تا فرصت‌های شغلی برای تازه‌واردان و ساکنان فعلی فراهم شود. گردشگری، ماهیگیری، صنایع کشتیرانی و بخش‌های انرژی تجدیدپذیر بخشی از صنایع جدید می‌تواند در منطقه ساحلی راه‌اندازی می‌کند و درحین‌حال رعایت مقررات ملی را تضمین می‌کند. مناطق ساحلی به‌ویژه در ناحیه مکران ایران در برابر سوانح طبیعی مانند زلزله، سونامی، سیل یا طوفان آسیب‌پذیراند. بنابراین، انجام ارزیابی‌های ریسک برای توسعه برنامه‌های مؤثر آمادگی در برابر سانحه لازم است. تجهیز خدمات اضطراری برای رسیدگی به سوانح احتمالی برای حفاظت از جمعیتی که در ناحیه ساحلی ساکن خواهد شد، ضروری است. انتقال جمعیت به‌سمت مناطق ساحلی جنوب ایران نیازمند رویکردی چندوجهی است که توسعه زیرساخت‌ها، فرصت‌های اقتصادی، پایداری محیط‌زیست، یکپارچگی اجتماعی، چارچوب‌های حاکمیتی و آمادگی در برابر سانحه را در اولویت قرار می‌دهد. پرداختن به این اولویت‌ها به‌طور مؤثر می‌تواند منجر به انتقال موفقیت‌آمیز شود و درحین‌حال چالش‌های بالقوه مرتبط با چنین تغییر جمعیتی قابل‌توجهی را به حداقل برساند.



— ۱ —

— ۲ —

تهران از زمان انتخاب به‌عنوان پایتخت ایران در دوره قاجار، به‌طور مداوم گسترش یافته است. جمعیت آن تنها در ۵۰ سال گذشته حدود سه برابر و وسعت آن نیز چندین برابر شده است. این گسترش بی‌سابقه، همراه با رشد بی‌رویه اکوسیستم‌های دریایی آسیب می‌رساند. هنگام ارزیابی کمبود آب در ایران، جابه‌جایی جمعیت به مناطق ساحلی در مقابل انتقال آب شیرین‌شده به مناطق خشک مرکزی- باید عوامل متعددی از جمله هزینه‌های عملیاتی، پایداری بلندمدت و اثرات اقتصادی بالقوه در جریان محلی در نظر گرفته شود. پس از ایجاد و توسعه شهرهای ساحلی، هزینه‌های عملیاتی مداوم برای حفظ زیرساخت‌ها در مناطق جدیداً توسعه‌یافته نیز قابل‌توجه است. در دوره انتقال جمعیت به مناطق ساحلی -دوره گذار- کاهش بهره‌وری و بازده اقتصادی رخ می‌دهد؛ زیرا زمان می‌برد تا مردم با محیط‌های جدید سازگار شوند. انتقال جمعیت به‌سمت مناطق ساحلی جنوب ایران، مانند مناطق حاشیه خلیج‌فارس و دریای مکران، شامل اولویت‌های متعددی است که باید برای اطمینان از انتقال موفقیت‌آمیز مورد توجه قرار گیرد. این اولویت‌ها جنبه‌های مختلفی از جمله توسعه زیرساخت‌ها، فرصت‌های اقتصادی، پایداری زیست‌محیطی، یکپارچگی اجتماعی و حکمرانی را در بر می‌گیرد. باید مسکن مناسب ساخته شود تا جمعیت ورودی را در خود جای دهد. مدارس، بیمارستان‌ها و امکانات تفریحی نیز خدمات ضروری هستند که باید در ناحیه ساحلی و شهرهای جدید مستقر شود. ایجاد صنایع و مشاغل در مناطق ساحلی باید در اولویت قرار گیرد تا فرصت‌های شغلی برای تازه‌واردان و ساکنان فعلی فراهم شود. گردشگری، ماهیگیری، صنایع کشتیرانی و بخش‌های انرژی تجدیدپذیر بخشی از صنایع جدید می‌تواند در منطقه ساحلی راه‌اندازی می‌کند و درحین‌حال رعایت مقررات ملی را تضمین می‌کند. مناطق ساحلی به‌ویژه در ناحیه مکران ایران در برابر سوانح طبیعی مانند زلزله، سونامی، سیل یا طوفان آسیب‌پذیراند. بنابراین، انجام ارزیابی‌های ریسک برای توسعه برنامه‌های مؤثر آمادگی در برابر سانحه لازم است. تجهیز خدمات اضطراری برای رسیدگی به سوانح احتمالی برای حفاظت از جمعیتی که در ناحیه ساحلی ساکن خواهد شد، ضروری است. انتقال جمعیت به‌سمت مناطق ساحلی جنوب ایران نیازمند رویکردی چندوجهی است که توسعه زیرساخت‌ها، فرصت‌های اقتصادی، پایداری محیط‌زیست، یکپارچگی اجتماعی، چارچوب‌های حاکمیتی و آمادگی در برابر سانحه را در اولویت قرار می‌دهد. پرداختن به این اولویت‌ها به‌طور مؤثر می‌تواند منجر به انتقال موفقیت‌آمیز شود و درحین‌حال چالش‌های بالقوه مرتبط با چنین تغییر جمعیتی قابل‌توجهی را به حداقل برساند.



ا هانی رستگاران |

ا روزنامه‌نگار |



تهران از زمان انتخاب به‌عنوان پایتخت ایران در دوره قاجار، به‌طور مداوم گسترش یافته است. جمعیت آن تنها در ۵۰ سال گذشته حدود سه برابر و وسعت آن نیز چندین برابر شده است. این گسترش بی‌سابقه، همراه با رشد بی‌رویه اکوسیستم‌های دریایی آسیب می‌رساند. هنگام ارزیابی کمبود آب در ایران، جابه‌جایی جمعیت به مناطق ساحلی در مقابل انتقال آب شیرین‌شده به مناطق خشک مرکزی- باید عوامل متعددی از جمله هزینه‌های عملیاتی، پایداری بلندمدت و اثرات اقتصادی بالقوه در جریان محلی در نظر گرفته شود. پس از ایجاد و توسعه شهرهای ساحلی، هزینه‌های عملیاتی مداوم برای حفظ زیرساخت‌ها در مناطق جدیداً توسعه‌یافته نیز قابل‌توجه است. در دوره انتقال جمعیت به مناطق ساحلی -دوره گذار- کاهش بهره‌وری و بازده اقتصادی رخ می‌دهد؛ زیرا زمان می‌برد تا مردم با محیط‌های جدید سازگار شوند. انتقال جمعیت به‌سمت مناطق ساحلی جنوب ایران، مانند مناطق حاشیه خلیج‌فارس و دریای مکران، شامل اولویت‌های متعددی است که باید برای اطمینان از انتقال موفقیت‌آمیز مورد توجه قرار گیرد. این اولویت‌ها جنبه‌های مختلفی از جمله توسعه زیرساخت‌ها، فرصت‌های اقتصادی، پایداری زیست‌محیطی، یکپارچگی اجتماعی و حکمرانی را در بر می‌گیرد. باید مسکن مناسب ساخته شود تا جمعیت ورودی را در خود جای دهد. مدارس، بیمارستان‌ها و امکانات تفریحی نیز خدمات ضروری هستند که باید در ناحیه ساحلی و شهرهای جدید مستقر شود. ایجاد صنایع و مشاغل در مناطق ساحلی باید در اولویت قرار گیرد تا فرصت‌های شغلی برای تازه‌واردان و ساکنان فعلی فراهم شود. گردشگری، ماهیگیری، صنایع کشتیرانی و بخش‌های انرژی تجدیدپذیر بخشی از صنایع جدید می‌تواند در منطقه ساحلی راه‌اندازی می‌کند و درحین‌حال رعایت مقررات ملی را تضمین می‌کند. مناطق ساحلی به‌ویژه در ناحیه مکران ایران در برابر سوانح طبیعی مانند زلزله، سونامی، سیل یا طوفان آسیب‌پذیراند. بنابراین، انجام ارزیابی‌های ریسک برای توسعه برنامه‌های مؤثر آمادگی در برابر سانحه لازم است. تجهیز خدمات اضطراری برای رسیدگی به سوانح احتمالی برای حفاظت از جمعیتی که در ناحیه ساحلی ساکن خواهد شد، ضروری است. انتقال جمعیت به‌سمت مناطق ساحلی جنوب ایران نیازمند رویکردی چندوجهی است که توسعه زیرساخت‌ها، فرصت‌های اقتصادی، پایداری محیط‌زیست، یکپارچگی اجتماعی، چارچوب‌های حاکمیتی و آمادگی در برابر سانحه را در اولویت قرار می‌دهد. پرداختن به این اولویت‌ها به‌طور مؤثر می‌تواند منجر به انتقال موفقیت‌آمیز شود و درحین‌حال چالش‌های بالقوه مرتبط با چنین تغییر جمعیتی قابل‌توجهی را به حداقل برساند.

یادداشت



بررسی چالش‌های پایتخت و راهکارهای احیای هویت تاریخی و گردشگری آن

تهران خسته

پایان داستان ۲۵ساله پایتخت ایران

تهران با چالش‌هایی همچون آلودگی هوا، ترافیک و رشد بی‌رویه، نیازمند تغییر رویکردی جدی در برنامه‌ریزی‌های شهری است تا بتواند به یک مرکز گردشگری تبدیل شود

تهران، شهری که در آغوش کوه‌های البرز خفته، بسیار قصه و روایت دارد و هرگز آرام نمی‌گیرد؛ شهری که تاریخ درگرایش جاری است و مدرنیته بر چهره‌اش لیخند می‌زند. تهران، تابوئی است که در آن رنگ‌ها و صداها به‌هم‌آمیخته‌اند، قصه‌ها و افسانه‌ها در کوجهایش نجوا می‌کنند و نفس زندگی در رگ‌هایش جریان دارد. شهری که در سپیددم با صدای اذان بیدار می‌شود و در غروب با نوه‌ای رنگ‌رنگ چراغ‌ها به خواب می‌رود. شهری که بازارهایش بوی ادویه و تاریخ می‌دهند و آسمان‌خراش‌هایش تا دل آسمان قد کشیده‌اند. شهری که در آن می‌توان هم‌صدای چکش مسگران را شنید و هم آهنگ مدرن زندگی را در آن می‌توان هم دید. در خیابان‌های پرهیاهوی شهر قدم زد و هم در باغ‌های سرسبز آرام گرفت. شهری که در آن می‌توان هم از تماشای آثار باستانی لذت برد و هم در کافه‌های شنی و مدرن قهوه نوشید. تهران، شهری که در آن هم می‌توان به یاد گذشته اشک ریخت و هم به امید آینده خندید. شهری که در آن می‌توان هم در تاکسی با راننده‌ای گرم و صمیمی هم‌صحبت شد و هم در مترو با غریبه‌ای چشم در چشم شد. شهری که در آن هم می‌توان بوی نان تازه را

ایده تک‌بعدی‌نگری به شهرها که در دهه‌های گذشته در اروپا و برخی کشورهای آسیایی رایج بود و منجر به توسعه صنعتی یکسویه شد، دیگر منسوخ شده است. امروزه، شهرها و کشورها برای رقابت در عرصه‌های مختلف، نیازمند توسعه و رشد چندوجهی هستند؛ امری که امروزه بیش‌ازپیش شاهد آن هستیم و آثار آن مشهود است. یکی از ویژگی‌های مهم درآمدزا در شهرها که برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی و بلندمدت برای آن انجام می‌شود، موضوع گردشگری است. گردشگری با ورود سرمایه و بهره‌وری بالا یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی است. به همین دلیل، برنامه‌های اقتصادی کشورها، با این رویکرد، بیشتر به‌سمت ایجاد زیرساخت‌های مؤثر برای جذب گردشگران بیشتر متمایل شده است. این موضوع تفاوتی بین کلانشهرها، پایتخت‌ها و یا شهرهای کوچکتر قائل نمی‌شود. طرح انتقال پایتخت اقدامی اجتناب‌ناپذیر، مفید و مؤثر در جهت فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب جذب گردشگر و تبدیل شهر تهران از یک مرکز صرفاً سیاسی و اقتصادی به یک مرکز گردشگری و جهانگردی است که می‌تواند سالانه درآمد قابل‌توجهی برای مدیریت شهری و تجاری این کشورها کمک می‌کند.

کشور ایجاد کند. تهران از زمان انتخاب به‌عنوان پایتخت ایران در دوره قاجار، به‌طور مداوم گسترش یافته است. جمعیت آن تنها در ۵۰ سال گذشته حدود سه برابر و وسعت آن نیز چندین برابر شده است. این گسترش بی‌سابقه، همراه با رشد بی‌رویه جمعیت مهاجر، منجر به بروز معضلاتی مانند ترافیک، گره‌های شهری، حاشیه‌نشینی، آلودگی هوا و نظایر آن در تهران شده است. این مسائل درنهایت باعث از دست رفتن منابع درآمدزای فراوانی از جمله جذب گردشگر و صنایع وابسته به آن می‌شود. نه‌تنها گردشگری خارجی بلکه گردشگری داخلی نیز با مشکلاتی مواجه شده است. به‌طوری‌که حتی ساکنان تهران نیز در تعطیلات کوتاه مجبور به ترک پایتخت می‌شوند.

به‌تازگی طرحی که از سال‌ها پیش مطرح بود و اما جدی گرفته نشده بود، بار دیگر در مجلس موردتوجه قرارگرفته است. این طرح که به طرح انتقال پایتخت شهرت یافته، از نظر بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران، راه‌حلی مناسب برای برون‌رفت از مشکلات کلانشهر تهران است. صرف‌نظر از اینکه کدام شهر به‌عنوان پایتخت جایگزین انتخاب شود و این رویداد چگونه انجام شود، می‌توان گفت که یکی از بزرگ‌ترین فواید آن، توسعه و رشد صنعت گردشگری در تهران خواهد بود که سال‌ها مغفول مانده و کمتر مورد توجه قرارگرفته است.

تهران یکی از شهرهای تاریخی ایران است که بافت و هویت تاریخی اصیل آن هواره مورد بحث محافل فنی و دانشگاهی بوده است. اگر از یک گردشگر خارجی پرسیده شود که کدام‌یک از شهرهای ایران را برای بازدید ترجیح می‌دهد، به‌احتمال‌زیاد شهرهایی مانند اصفهان، شیراز، مشهد و یزد را انتخاب می‌کند که تبلیغات بیشتری برای جذب گردشگر در آنها انجام شده است تا تهران که بیشتر به شلوغی و آلودگی هوا شهرت دارد. با اجرای طرح انتقال پایتخت، می‌توان به بهبود وضعیت ترافیک، کاهش آلودگی هوا و نمایان شدن مناظر فرهنگی و تاریخی شهر تهران که هویت آن را شکل داده‌اند، امیدوار بود. ایجاد فرصت‌های جدید برای معرفی بافت‌ها و اماکن تاریخی شهر تهران مانند عودالجان، کاخ گلستان، کاخ سعدآباد، بازار تهران و بسیاری آثار ارزشمند دیگر در قالب مدیریت محیط‌زیست تأثیر مستقیم بر حال و آینده نوع بشر دارد.

ازآنجا که مسائل زیست‌محیطی، طیف وسیعی از موضوعات مانند اقتصاد و امنیت را شامل می‌شود، به‌ویژه از سال ۲۰۰۷ میلادی جایگاه مهمی را در سیاست بین‌الملل به خود اختصاص داده است. استخراج بی‌رویه منابع طبیعی، امنیت غذایی جهانی، تاب‌آوری در برابر بلایای طبیعی و تغییرات آب‌وهوا نمونه‌هایی هستند که اهمیت مسائل زیست‌محیطی را در سطح بین‌المللی نشان می‌دهند. اگر مفهوم امنیت را به‌طور مختصر، اطمینان از بقا تعریف کنیم، خطراتی مانند تغییرات آب‌وهوا، فرسایش خاک، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، اقتراض گونه‌ها و از بین رفتن تنوع‌زیستی، آسیدی شدن اقیانوس‌ها، تخریب لایه اوزون و بسیاری دیگر در چارچوب مفهوم امنیت قرار می‌گیرند. با وقوع انقلاب صنعتی و توسعه فناوری، کشاورزی، حمل‌ونقل و شهرنشینی که بنوعی درپاسخ به افزایش جمعیت رخ داد، سطح مصرف کالاها و خدماتی که به مقادیر زیادی آب نیاز دارند، بالا رفت. به‌ویژه در ۶۰ سال اخیر، سرعت مصرف جهانی آب دو‌برابر سریع‌تر از جمعیت، افزایش پیدا کرده است و نشان می‌دهد مدیریت ضعیف و ناهماهنگ منابع آبی می‌تواند تهدید بزرگی برای انسان محسوب شود. زیرا کمبود آب تأثیر مستقیم بر تغییراقلیم دارد و تغییراقلیم نیز اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست و درنتیجه انرژی، تولید مواد غذایی و بسیاری موارد دیگر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، حفاظت از محیط‌زیست درواقع حفاظت از امنیت غذایی، امنیت انرژی، امنیت اقتصادی و دسترسی به منابع طبیعی اساسی را در بر می‌گیرد که ما را به مفهوم امنیت انسانی می‌رساند و درنتیجه چندبعدی بودن محیط‌زیست را نشان می‌دهد.

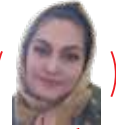
امنیت انسانی شامل جنبه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، غذایی، بهداشتی، اجتماعی، سیاسی و شخصی است و نشان می‌دهد امنیت نته‌ها بر تهدیدات دولت‌محور و دفاع ملی که باید بر افراد نیز متمرکز باشد تا بتواند از رشد فرآیندهای مستعد تضعیف جمعیت مانند فقر، سوءتغذیه، نداشتن بهداشت، عدم رعایت حقوق بشر، عدم دسترسی به کالاها و خدمات اساسی و بسیاری مسائل دیگر جلوگیری کند.

از این منظر می‌توان نامنی زیست‌محیطی را در ارتباط مستقیم با بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی در نظر گرفت که درنهایت منجر به نابرابری‌های فزاینده جهانی می‌شود. فضای خشونت سیاسی، فرهنگی و با مذهبی یکی از نتایج ساختارهای نابرابر اجتماعی و اقتصادی است. به‌عبارت دیگر، حفاظت جمعی از محیط‌زیست، اقدامی مهم برای حفاظت از امنیت و رفاه بین‌المللی محسوب می‌شود.

یادداشت

بررسی چالش‌های جهانی محیط‌زیست و تأثیر آن روی نظم بین‌الملل و آینده بشر درنیای پیچیده امروز

دوگانگی دردناک انسان و طبیعت



ا فاطیما انصاری |

ا دانش‌آموخته روابط بین‌الملل |

جهان امروز را می‌توان پیچیده‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر از هر زمان دیگری دانست. با پایان جنگ سرد و برهم خوردن نظم دوقطبی، نظام بین‌الملل دچار آشفتگی روزافزون شد. با پدید آمدن قدرتهای نوظهور، ایالات متحده دیگر نتوانست مانند دهه ۱۹۹۰ بر جهان حکومت کند و روابط میان قدرت‌ها بسیار پیچیده‌تر از پیش شد. تنش‌ها و درگیری‌هایی از قبیل تروریسم، افراط‌گرایی، نژادپرستی و بیگانه‌سازی دولت‌های بسیاری را در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به خود مشغول کرد. باوجوداین، جامعه بین‌الملل با مشکلات جهانی روبه‌رو شد که گریز از آن بدون همکاری دسته‌جمعی امکان‌پذیر نیست.

مسئله محیط‌زیست یکی از مهمترین و همچنین بحرانی‌ترین مسائل جهانی است که اگر استراتژی محکمی برای کنترل آن در نظر گرفته نشود، مشکلات ناشی از آن کل نظام بین‌الملل را درگیر خواهد کرد و نه‌تنها آینده نوع بشر را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد بلکه کل اکوسیستم طبیعی جهان را در بر خواهد گرفت. بنابراین، می‌توان چنین استدلال کرد که براساس چالش‌های زیست‌محیطی و توانایی یا ناتوانی جامعه بین‌الملل در مقابله با آنها، به‌سمت نظم یا بی‌نظمی جدید جهانی خواهد رفت. پیدایش بازیگران جدید، مقیاس جهانی ارتباطات، وابستگی متقابل فزاینده و درهم‌آمیختگی سطوح ملی و بین‌المللی به‌واسطه تغییرات متعده، نظام بین‌الملل را به‌سمت ظهور یک سیستم حکمرانی جهانی هدایت می‌کند. زیرا روابط بین دولت‌های مستقل کنونی نمی‌تواند جوابگوی تحلیل و درک پیوسته‌ای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کنونی باشد. دستیابی به اهداف ملی هر دولت مستقل، آن دولت را ملزم به پذیرش بسیاری از همبستگی‌ها و مشارکت‌های غیردوستانه چندجانبه می‌کند. مسئله محیط‌زیست، یک مسئله فراملیتی و جهانی محسوب می‌شود که نمی‌توان آن را با حاکمیت و استقلالییایی تطبیق داد. ناکامی جامعه بین‌الملل در رسیدگی به مسائل و مشکلات زیست‌محیطی از قبیل تغییراقلیم، نشان‌دهنده خلأ وجود نهادهای بین‌المللی قدرتمند و جهان‌محور برای مدیریت آن است. درواقع، مسئله محیط‌زیست کلید اصلی در ایجاد یک همکاری بین‌المللی و روند جهانی شدن ساختار نظام بین‌الملل است؛ زیرا نحوه مدیریت محیط‌زیست تأثیر مستقیم بر حال و آینده نوع بشر دارد.

ازآنجا که مسائل زیست‌محیطی، طیف وسیعی از موضوعات مانند اقتصاد و امنیت را شامل می‌شود، به‌ویژه از سال ۲۰۰۷ میلادی جایگاه مهمی را در سیاست بین‌الملل به خود اختصاص داده است. استخراج بی‌رویه منابع طبیعی، امنیت غذایی جهانی، تاب‌آوری در برابر بلایای طبیعی و تغییرات آب‌وهوا نمونه‌هایی هستند که اهمیت مسائل زیست‌محیطی را در سطح بین‌المللی نشان می‌دهند. اگر مفهوم امنیت را به‌طور مختصر، اطمینان از بقا تعریف کنیم، خطراتی مانند تغییرات آب‌وهوا، فرسایش خاک، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، اقتراض گونه‌ها و از بین رفتن تنوع‌زیستی، آسیدی شدن اقیانوس‌ها، تخریب لایه اوزون و بسیاری دیگر در چارچوب مفهوم امنیت قرار می‌گیرند. با وقوع انقلاب صنعتی و توسعه فناوری، کشاورزی، حمل‌ونقل و شهرنشینی که بنوعی درپاسخ به افزایش جمعیت رخ داد، سطح مصرف کالاها و خدماتی که به مقادیر زیادی آب نیاز دارند، بالا رفت. به‌ویژه در ۶۰ سال اخیر، سرعت مصرف جهانی آب دو‌برابر سریع‌تر از جمعیت، افزایش پیدا کرده است و نشان می‌دهد مدیریت ضعیف و ناهماهنگ منابع آبی می‌تواند تهدید بزرگی برای انسان محسوب شود. زیرا کمبود آب تأثیر مستقیم بر تغییراقلیم دارد و تغییراقلیم نیز اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست و درنتیجه انرژی، تولید مواد غذایی و بسیاری موارد دیگر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، حفاظت از محیط‌زیست درواقع حفاظت از امنیت غذایی، امنیت انرژی، امنیت اقتصادی و دسترسی به منابع طبیعی اساسی را در بر می‌گیرد که ما را به مفهوم امنیت انسانی می‌رساند و درنتیجه چندبعدی بودن محیط‌زیست را نشان می‌دهد.

امنیت انسانی شامل جنبه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، غذایی، بهداشتی، اجتماعی، سیاسی و شخصی است و نشان می‌دهد امنیت نته‌ها بر تهدیدات دولت‌محور و دفاع ملی که باید بر افراد نیز متمرکز باشد تا بتواند از رشد فرآیندهای مستعد تضعیف جمعیت مانند فقر، سوءتغذیه، نداشتن بهداشت، عدم رعایت حقوق بشر، عدم دسترسی به کالاها و خدمات اساسی و بسیاری مسائل دیگر جلوگیری کند.

از این منظر می‌توان نامنی زیست‌محیطی را در ارتباط مستقیم با بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی در نظر گرفت که درنهایت منجر به نابرابری‌های فزاینده جهانی می‌شود. فضای خشونت سیاسی، فرهنگی و با مذهبی یکی از نتایج ساختارهای نابرابر اجتماعی و اقتصادی است. به‌عبارت دیگر، حفاظت جمعی از محیط‌زیست، اقدامی مهم برای حفاظت از امنیت و رفاه بین‌المللی محسوب می‌شود.

گاردین برآمدن و سقوط تمدن‌ها در گذشته و امروز بر اثر «تغییراقلیم» را بررسی کرد

فروپاشی توهم یا واقعیت

اغلب پژوهشگران روی این موضوع اتفاق نظر دارند که فروپاشی به‌معنای از دست رفتن ساختارهای اجتماعی و سیاسی پیچیده طی چند دهه است



پیام ما| ما به تغییرات چشمگیر اجتماعی و فناوری نیازمندیم؛ آیا فروپاشی جامعه اجتناب‌ناپذیر است؟
این عنوان یادداشتی است که در گاردین توسط «دامیان کارنگتون» منتشر شده است. او در این یادداشت به گفته‌ای از دانیلو بروزویچ استاد مدرسه کسب‌وکار دانشگاه «کود» سوئد اشاره می‌کند که بقای جامعه را نیازمند تحول بنیادین می‌داند. این استاد دانشگاه ۳۶۱ مطالعه و ۷۳ کتاب درباره فروپاشی جوامع را بررسی کرده است.

فروپاشی تمدن‌های گذشته، از امپراتوری قدرتمند مایا گرفته تا راپانویی جزیره ایستر همواره موضوعی جذاب برای بسیاری از مردم بوده است، درعین‌حال این فروپاشی‌ها یک پرسش هم به‌همراه خود دارد؛ جامعه ما چه حد پایدار است؟ آیا ممکن نیست ما هم به سرنوشت آن تمدن‌ها دچار شویم؟ در شرایط بحران اقلیمی، تخریب بی‌رویه طبیعت، تنش‌های ژئوپلیتیکی روبه‌افزایش و مسائل دیگر، پرداختن به این پرسش‌ها بیش از هر زمان دیگری ضروری است.

«مقالات آکادمیک بیشتری در حال اشاره به تهدید فروپاشی به‌دلیل تغییراقلیم هستند.» بروزویچ با بیان این جمله می‌گوید مسئله فروپاشی زمانی توجه او را جلب کرد که در یک پروژه درباره پایداری کسب‌وکار با این مقوله مواجه شد و درنهایت در سال ۲۰۲۳ بررسی‌های جامعی درباره آن انجام داد.

به‌گفته این مدرس دانشگاه، برخی معتقدند چالش‌های پیش روی بشر به حدی گسترده شده که باید با انقراض خود کنار بیاید و حتی به فکر تشکیل پایگاهی برای ثبت بزرگترین دستاوردهای فرهنگی خود به‌عنوان مدرکی برای تمدنی در آینده باشد. گروه دیگری هم در این زمینه به داده‌های مرتبط با جنگل‌زدایی اشاره می‌کنند که باعث فروپاشی فاجعه‌بار بشر خواهد شد.

خبر

انتقاد مدیرکل محیط‌زیست یزد:

توسعه صنعت و معدن استان به چه قیمتی؟

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست یزد با بیان آنکه در دشت‌های استان با فرورنشتت زمین، خالی شدن سفره‌های زیرزمینی از آب و فقر پوشش گیاهی مواجه هستیم، گفت: اگر آلودگی با باید با انقراض خود کنار توسعه صنعت نخوریم و از بین نبریم. «حسن اکبری» به ایرنا گفت که تا کی می‌خواهیم داشته‌های سرزمین خود را از دست بدهیم، چه دفاعی برای نسل آینده گسترده شده که باید با انقراض خود کنار گذاشته‌ایم؟ همه اینها سؤال است. او با بیان اینکه اگر این داشته‌ها را بیشتر از این از دست بدهیم، دیگر این سرزمین قابل‌سکونت نخواهد بود، بیان کرد: اجازه ندیم تمدن چندهزارساله خود را به‌خاطر اهمالکاری جزئی از دست بدهیم. نگذاریم بیشتر از این دچار بهمربخنگی اکولوژیک شویم، همین

بااین‌حال اغلب پژوهشگران به بدبینی دو گروه قبلی نیستند. به‌گفته بروزویچ، «آنها معتقدند فروپاشی تنها به‌معنای پایان زندگی به شیوه امروزی است. ما با وضعیتی مواجه می‌شویم که استاندارد زندگی کاهش یافته است و همین موضوع بر سلامت عمومی تأثیر منفی می‌گذارد.» نگاهی به این دو دیدگاه نشان می‌دهد اغلب پژوهشگران روی این موضوع اتفاق‌نظر دارند که فروپاشی به‌معنای از دست رفتن ساختارهای اجتماعی و سیاسی پیچیده طی چنددهه است. از نظر بروزویچ در یک دهه گذشته همچنین این پرسش مطرح شده است که آیا جامعه راپانویی در جزیره ایستر فروپاشید یا خود را بازآفرینی کرد؟

پرسش به اینکه چرا فروپاشی اتفاق می‌افتد یک پاسخ ندارد. «توماس مالتوس» در قرن هجدهم با بهره‌گیری از اصل جمعیت و «ادوارد گیبون»، تاریخ‌نگار بریتانیایی، در همین قرن با بررسی سقوط امپراتوری روم به آن پاسخ داده‌اند. گیبون دلیل فروپاشی این امپراتوری را به فساد دستگاه حاکمه و تهاجم «هون»‌ها مرتبط می‌داند. (قوم هون، بیشتر از گروه‌های مختلف ترک‌تبار و مغول‌ها بودند که در قرون چهارم تا ششم میلادی در آمودریا، قفقاز، اروپای شرقی و آسیای میانه زندگی می‌کردند و سبک زندگی عشائری داشتند.)

مطالعات اخیر درباره فروپاشی به این مقوله تک‌عاملی نگاه نمی‌کند بلکه به ترکیبی از موارد مانند مشکلات محیط‌زیستی، بیماری‌ها، آفت‌شنکی‌های سیاسی یا اقتصادی، بحران‌های مذهبی و فرسایش زندگی اشاره دارند، حتی اگر یک عامل خاص محرک اصلی فروپاشی باشد.»

به‌گفته این استاد دانشگاه، نظریه‌ای که این روزها بیشتر درباره فروپاشی مطرح می‌شود به نظریه پیچیدگی معروف است که آن را «جوزف تینتر» مطرح کرده است. «از نظر تینتر جوامع برای حل مشکلات روی منابع سرمایه‌گذاری می‌کنند. بااین‌حال، با پیچیده شدن جوامع، مشکلات هم پیچیده‌تر می‌شوند و نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر هستند. درنتیجه جوامع وارد مارپیچ فروپاشی می‌شوند؛ زیرا نمی‌توان این روند را برای همیشه ادامه داد. گرچه گاه از فناوری برای ساده کردن مشکلات استفاده می‌شود، اما این مقوله نمی‌تواند برای همیشه ادامه داشته باشد.» از سوی دیگری به‌گفته بروزویچ، جوامع عموماً قصد ندارند آنچه برایش سرمایه‌گذاری کرده‌اند را کنار بگذارند، حتی اگر چشم‌انداز آن تیره‌وتر باشد. شاید این موضوع به غرور یا تکبر پیش‌ازحد جوامع مربوط باشد که هشدارها را نادیده می‌گیرند و از اقدامات پیشگیرانه خودداری می‌کنند. «این وضعیت مشابه یک ازدواج بد است، شما می‌دانید که باید

و زمین‌داران آلمانی قرن شانزدهم را به‌عنوان نمونه‌های مثبت ذکر می‌کند که با جنگل‌زدایی فاجعه‌بار روبه‌رو شدند و آن را معکوس کردند.

دومین راه‌حل از نظر دایموند مقابله با غرور اجتماعی است که نیازمند بازنگری در ارزش‌های بنیادین است. او می‌گوید: «کدام یک از ارزش‌هایی که پیش‌تر برای یک جامعه مفید بوده‌اند، می‌توانند در شرایط جدید حفظ شوند؟ و کدام‌یک از این ارزش‌ها باید کنار گذاشته شوند و با رویکردهای متفاوت جایگزین شوند؟» او مهاجران اسکاندیناوی در گرینلند در قرون وسطی را به‌عنوان یک نمونه منفی ذکر می‌کند و می‌گوید آنها از کنار گذاشتن هویت کشاورزی اروپایی خود امتناع کردند و به همین دلیل نابود شدند.

با بررسی جامع مطالعات مرتبط با فروپاشی جوامع، آیا بروزویچ سبک زندگی کنونی بشر را پایدار می‌داند؟ او می‌گوید: «نه، قطعاً پایدار نیست، ما باید کاری انجام دهیم. این نتیجه‌ای است که از مطالعه همه این پژوهش‌ها به‌دست می‌آید.»

او ادامه می‌دهد: «درنهایت، ما باید جامعه را به‌طور ریشه‌ای متحول کنیم و این کار را سریع انجام دهیم.» این شامل تغییر سیاست‌ها، اصلاح نهادها، حفاظت از تولید غذا و حفظ عرصه‌های طبیعی است که از حیات روی زمین حمایت می‌کند.

بروزویچ می‌گوید: «این نسخه‌ای برای کاهش احتمال فروپاشی است. اما هیچ اقدام اساسی‌ای در حال انجام نیست. بسیاری از کارهای مثبت در حال انجام هستند، اما سؤال این است که آیا این تغییرات به‌اندازه کافی سریع رخ می‌دهند؟»

بررسی‌های این استاد دانشگاه به مانع مهمی اشاره می‌کند؛ متقاعد کردن مردم به ضرورت چنین اقداماتی، وظیفه‌ای که با گسترش اطلاعات نادرست در فضای آنلاین دشوارتر شده است.

ایده اینکه سرنوشت بشر در دستان خودش است، جدید نیست. در میانه قرن بیستم، «آرنولد توین‌بی» که سرنوشت‌های متفاوت ۲۸ جامعه را بررسی کرده بود، گفت:

«تمدن‌ها از خودکشی می‌میرند، نه از قتل».

🇮🇷 ایران هوشیارتر باشد

«فروپاشی: چگونه جوامع راه فنا یا بقا را بر می‌گزینند» سال ۱۳۹۸ توسط «فریدون مجلسی» توسط نشر «نو» منتشر شده است. «پیام ما» در سال ۱۴۰۰ در گفت‌وگو با مترجم ضمن پرداختن به محتوای کتاب،

درباره شرایط ایران پرسیده بود. به‌گفته مجلسی، در کتاب نامی از ایران نیامده است. اما از آثار گرمای فرآینده اقلیمی سخن گفته‌اند که یعنی ایران! از تأثیر گرما بر بارزد محصول سخن گفته شده، از خیزش دریا سخن آمده که مسئله‌ای جهانی است، هرچند به ایران جز در سواحل شمالی خلیج‌فارس مانند ماهشهر ارتباط ندارد. تحلیل جنگل‌ها یعنی ایران، ذکر مثال‌هایی درباره جنگل‌کاری‌های گسترده در چین و ژاپن، کره‌جنوبی یعنی ایران هوشیار باشد. پیشروی بیابان‌ها یعنی ایران! تخریب زیستگاه‌های ماهیان و ناپدید شدن گونه‌ها یعنی ایران! تأمین آب و آبیاری بهینه یعنی ایران! اصولاً افزودن به سواد محیط‌زیستی یعنی ایران! خوشبختانه کشور ایران بزرگ است؛ با منابع بسیار و امکان تمرکز جمعیت در مناطقی که توانایی تدارک آب و غذا و کار جمعیت‌های میلیونی را دارد. اما بزرگی و امکانات پاسنگوی مسئله نیست. دست‌به‌کار شدن و برنامه‌های و تأمین آب و مسکن و درآمد و رفاه را به اجرا گذاشتن ملاک است.

۳

روزنامه سام‌ما

خبر

بحران افزایش

جمعیت ببرها در نیال

بررسی‌ها نشان می‌دهد بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳، حملات ببرها باعث مرگ ۴۰ نفر و مجروح شدن ۱۵ نفر شده است، اما جوامع محلی بر این باورند که این آمار بسیار بیشتر از آن چیزی است که اعلام شده است. به‌گزارش تسنیم، درحالی‌که موفقیت‌های جهانی در افزایش جمعیت ببرها در نیال، طی یک دهه مورد ستایش قرار گرفته، هم‌زمان باعث نگرانی‌هایی نیز شده است.

طبق داده‌های دولتی، بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳، حملات ببرها باعث مرگ ۴۰ نفر و مجروح شدن ۱۵ نفر شده است، اما جوامع محلی بر این باورند که این آمار بسیار بیشتر از آن چیزی است که اعلام شده است.

در این ماجرا، پرسش این است که چه تعداد ببر، بیش از حد به‌شمار می‌آید؟ کارشناسان پاسخ یکسانی ندارند و معتقدند این موضوع به میزان دسترسی به طعمه در یک منطقه خاص بستگی دارد. به‌طور ایدئال، هر ببر باید در نزدیکی حدود ۵۰۰ حیوان طعمه، مانند گوزن، آنتیلوپ یا گاو میش وحشی زندگی کند.

به‌گفته «اولاس کارات»، بیولوژیست ببر، نگرانی نخست‌وزیر درباره محدود کردن تعداد ببرها نادرست است. بلکه باید تمرکز نیال بر روی گسترش مناطق حفاظت‌شده‌ای باشد که دارای تراکم طبیعی معقولی از طعمه‌ها و ببرها هستند.

کارشناسان همچنین معتقدند اگر حیات‌وحش برای پیدا کردن طعمه از مناطق حفاظت‌شده بیرون زده است، این می‌تواند توضیح دهد که چرا حملات در مناطقی که در حاشیه جنگل‌ها قرار دارند، افزایش یافته است؛ مناطقی که ببرها همیشه با انسان‌ها مواجه بوده‌اند. مناطقی مانند «زون‌های حائل»، که میان پارک‌های ملی و سکونت‌گاه‌های انسانی قرار دارند، نمونه‌ای از این مناطق هستند. در این زون‌ها، مواجه با حیات‌وحش رایج است، اما مردم نیز از این مناطق برای چراگاه دام و جمع‌آوری هیزم استفاده می‌کنند. همچنین، «راهروهای جنگلی» که نوارهایی از زمین هستند که پارک‌ها و ذخیره‌گاه‌های زیستی مختلف را بهم متصل می‌کنند و به حیات‌وحش این امکان را می‌دهند که میان آنها جابه‌جا شوند، به یکی دیگر از نقاط بحران تبدیل شده‌اند. در این مناطق، جاده‌ها گاهی از میان این راهروها عبور می‌کنند و مردم نیز برای جمع‌آوری منابع از آنها استفاده می‌کنند که آنها را در معرض حملات قرار می‌دهد. افزایش تلفات انسانی ناشانه‌ای است از اینکه مدل موفق حفاظتی محلات قرار می‌دهد. افزایش تلفات انسانی نیال در حال فروپاشی است. به‌گفته کارات شاه، زیست‌شناس، «تا به امروز، تمرکز نیال بیشتر بر جلب توجه بین‌المللی بوده و تأثیرات آن بر جوامع اطراف پارک‌ها و مناطق حفاظت‌شده نادیده گرفته شده است.» او معتقد است حفاظت از حیات‌وحش تنها یک مسئله زیست‌محیطی یا علمی نیست، بلکه یک موضوع اجتماعی است و از دست رفتن جان انسان‌ها باید متوقف شود. ت جوامع محلی همچنان بخشی از تلاش‌های حفاظتی باشند و علیه آن مقاومت نکنند.

خشم مردم محلی به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است؛ چراکه ببرها به دام‌های آنها حمله کرده‌اند. «تاکور بهنداری»، رئیس فدراسیون کاربران جنگل‌های جامعه نیال، گفت: «بخش قابل‌توجهی از جمعیت ما هنوز در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و به منابع جنگلی وابسته‌اند که خودشان آنها را حفظ می‌کنند، اما حالا آنها به‌طور فزاینده‌ای توسط ببرها کشته و زخمی می‌شوند. به‌عنوان محافظان جنگل، ما نمی‌توانیم علیه حیات‌وحش باشیم، اما این به‌معنی نادیده گرفتن تأثیر آن بر انسان‌ها و جامعه‌مان نیست.» این نگرانی از جایی شروع شد که نخست‌وزیر نیال اخیراً اعلام کرده است: «در کشوری کوچک مانند نیال بیش از ۳۵۰ ببر داریم. نمی‌توانیم این تعداد ببر داشته باشیم و اجازه دهیم انسان‌ها را بخورند. برای ما ۱۵۰ ببر کافی است.» او حتی پیشنهاد داد که نیال می‌تواند ببرهای خود را به کشورهای دیگر به‌عنوان هدیه ارسال کند. یک قرن پیش، حدود صد هزار ببر در آسیا زندگی می‌کردند، اما جنگل‌زدایی و شکار بی‌رویه آنها را به مرز انقراض رساند. اکنون تنها حدود پنج هزار و ۶۰۰ ببر وحشی در ۱۳ کشور از جمله نیال، چین، هند، تایلند، اندونزی و روسیه باقی مانده‌اند.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودروی سواری هایج بک هوندای تیپ ۱٫۴ ۱۲۰ مدل ۲۰۱۵ رنگ خاستری متالیک، به شماره موتور G4FAFW610096 و شماره شاسی MALBC51C3FM687253 و شماره پلاک ۱۰ ایران ۱۳۹ ج۳۳ به نام علی خونیمن مفقود گردید و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

قروین

یک تناقض منطقی در پیش‌بینی آب‌وهوای تهران

شبکه ایستگاه‌های هواشناسی سطح زمین، داده‌ها و تصاویر ماهواره، نقشه‌های هواشناسی پیش‌بینی سطح زمین و سطوح فوقانی جو و نقشه‌های کمکی استفاده می‌شود.مدیرکل هواشناسی استان تهران ادامه داد: هواشناسی یک مجموعه بهم‌پیوسته است و تمام سازمان‌های هواشناسی کشورها به داده‌های هواشناسی مشترک دسترسی دارند. او در زمینه بهره‌مندی اداره هواشناسی استان تهران از تجهیزات جدید و بروزر گفت: در حال حاضر با شرایط ایدئال فاصله داریم و ارتقای تجهیزات هواشناسی نیازمند تأمین اعتبارات و بودجه لازم است. برنامه‌ریزی برای ارتقای تجهیزات انجام شده و توسعه شبکه ایستگاه‌های هواشناسی استان نیز باتوجه‌ب نیاز استان و در قالب یک برنامه عملیاتی در حال انجام است. این برنامه‌ریزی‌ها با تأمین اعتبارات لازم محقق می‌شود. غلامی در پایان درباره توسعه شبکه ایستگاه‌ها بیان کرد: یکی از دغدغه‌های اداره‌کل هواشناسی استان تهران توسعه شبکه ایستگاه‌های هواشناسی است. افزایش ایستگاه‌ها طی برنامه‌های مشخص باتوجه‌بودجه در اختیارمان از الزامات است، البته این کار طی سال‌های گذشته نیز صورت گرفته است و در برنامه آینده نیز قرار دارد. سال ۱۴۰۲ چهار ایستگاه باران‌سنجی و دو ایستگاه اقلیم‌شناسی به مجموعه ایستگاه‌ها اضافه شد.

مدیرکل اداره هواشناسی استان تهران با اشاره به تنوع اقلیمی در استان تهران در رابطه با تفاوت پیش‌بینی وضعیت آب‌وهوا در مناطق استان تهران توضیحاتی ارائه کرد.

«مازیار غلامی» در گفت‌وگو با ایسنا گفت: کوهستان از سویی و ارتفاعات پایین‌دست و نواحی کم‌ارتفاع از سویی دیگر تهران را در بر گرفته است، استان از سمتی به مناطق کوهپای می‌رسد و از سمتی دیگر به نواحی کوهستانی و سردسیر. بنابراین، پیش‌بینی آب‌وهوای مناطق مختلف تهران دارای تناقض است و البته این تناقض باتوجه‌به تنوع اقلیمی تهران، منطقی است.

مدیرکل هواشناسی استان تهران با تأکید بر تنوع اقلیمی در تهران گفت: پیش‌بینی هواشناسی تهران، وابسته به تنوع اقلیمی و ویژگی‌های جغرافیایی آن است همچنین دو کمیت بارندگی و باد، جزو کمیت‌هایی هستند که تغییرات آنها وابستگی بسیار به ویژگی‌های جغرافیایی و محلی دارند و بسیاری‌نظم عمل می‌کنند. پیش‌بینی وضعیت جوی برای شهری مثل تهران با گسترش طولی و عرضی زیاد و تنوع اقلیمی ناشی از ویژگی‌های جغرافیایی خاص به‌صورت یکسان نیست. غلامی افزود: متوسط شرایط را برای پیش‌بینی وضعیت آب‌وهوای شهر تهران باتوجه‌به تمام محدودیت‌ها در نظر می‌گیریم و از تمام داده‌ها و اطلاعات موجود،

خبر

پاسخ معاونت

میراث‌فرهنگی وزارت

میراث به سؤال «پیام ما»

درباره فروش سکه‌های

باستانی در نیویورک

به‌دنبال اعلام خبر فروش سکه‌های تاریخی فرا هخامنشی و ساسانی توسط سایت حراج CNG آمریکا توسط رسانه‌های داخلی، روابطعمومی معاونت میراث‌فرهنگی به‌نقل از «یلا خسروی»، سرپرست اداره‌کل موزه‌ها، در پاسخ به سؤال «پیام ما» درباره جزئیات پیگیری این وزارتخانه برای توقف فروش سکه‌ها روز گذشته این پاسخ را برای روزنامه ارسال کرده‌اند. در این پیام آمده است: «معاونت میراث‌فرهنگی وزارت میراث‌فرهنگی گردشگری و صنایع‌دستی، به‌محض اطلاع از قصد سایت حراج نامبرده، نسبت به فروش تعدادی از سکه‌های تاریخی، پیگیری و مکاتبات لازم جهت درخواست توقیف فروش دو قطعه از این سکه‌ها که انتساب آنها به محوطه‌های باستانی ایران محرز دانسته شده، از طریق مراجع ذی‌ربط انجام داده است. با وجود اقدام قانونی و طرح ادعای مالکیت ایران بر سکه‌های مورد نظر و لزوم بازگرداندن آنها به کشور، حسب اطلاع واصله از وکیل محلی ایران، سایت حراج CNG در روز چهارشنبه یک قطعه از این سکه‌ها را به فروش رسانده است و فروش یک قطعه دیگر در دست اقدام است. ازاین‌رو، بررسی‌ها و اقدامات لازم درخصوص راهکارهای قانونی مربوط به استیفاء حق ایران نسبت به هر دو سکه در حال انجام است.»

وضعیت نامناسب گنبد زنگوله دامغان

گنبد زنگوله دامغان یکی از بناهای ارزشمند دوره ایلخانی است که «زهره بزرگمهری»، چهره ماندگار مرمت ایران، از معماری این بنا و گوشه‌سازی آن را که از نوع پتکین است، بی‌همتا خوانده بود. این گنبد با اینکه در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده، اما فعالان میراث‌فرهنگی از وضعیت نابسامان آن خبر می‌دهند. «حسین خلیل‌نژاد»، فعال میراث‌فرهنگی دامغان، در گفت‌وگو با ایلنا، در رابطه با وضعیت بنای ایلخانی گنبد زنگوله دامغان گفت: «این بنا ازآنجا که خشتی است و تاکنون مورد مرمت جدی قرار نگرفته و در یک شلختگی عجیبی به‌سر می‌برد و وضعیت مناسبی ندارد، یکی از مشکلاتی که این بنای تاریخی دارد، این است که ما اصلاً نمی‌دانیم کاربری این بنا چیست؟ به‌عبارتی هنوز هیچ کار پژوهشی برای این بنای متعلق به دوره ایلخانی صورت نگرفته است. هنوز نمی‌دانیم این بنا آرامگاه بوده یا کاربری دیگر داشته است، اما مشابه معماری گنبد زنگوله دامغان را در مسجد شکرگله و گنبدعلی در روستای وامرزان می‌توان مشاهده کرد.»

«سروش هاشمی»، معاون میراث‌فرهنگی اداره‌کل میراث‌فرهنگی استان سمنان، نیز در رابطه با آخرین وضعیت گنبد زنگوله دامغان به ایلنا گفت: «این گنبد پیشتر نیز این بنا مورد مرمت قرار گرفته بود و درحال‌حاضر مشکل سازه‌ای ندارد، اما این بنای تاریخی در برنامه مرمتی سال جاری اداره میراث‌فرهنگی قرار دارد.»

خلیل‌نژاد می‌گوید: «یکی از چالش‌هایی که در بناهای تاریخی سمنان و دیگر استان‌ها وجود دارد، نبود طرح‌های مرمتی است. این بنا هم به‌دلیل نداشتن طرح مرمتی همین‌طور رها شد؛ چراکه اگر میراث‌فرهنگی بخواهد به‌تأهتایی طرح تهیه کند، باید یک اعتبار و بودجه بزرگی فقط به این طرح‌ها اختصاص دهند که به‌زمان‌بر است هم هزینه‌بر. در گذشته مرمتگران و متخصصان میراث‌فرهنگی طرح‌ها و اقدامات مرمتی را انجام می‌دادند، اما هم‌اکنون به پیمانکار و بخش‌های بیرونی داده می‌شود. درحال‌حاضر، اگر این بنای تاریخی طرح مرمتی مناسبی داشته باشد، با کمک‌های مردمی می‌توانیم این بنا را نجات دهیم؛ چراکه این بنا در یک خیابان فرعی و حاشیه‌ای قرار گرفته است که اصلاً مورد توجه نیست، به‌طوری‌که حتی یک در ورودی هم ندارد.»

۴

خبر

پاسخ معاونت

میراث‌فرهنگی وزارت

میراث به سؤال «پیام ما»

درباره فروش سکه‌های

باستانی در نیویورک

به‌دنبال اعلام خبر فروش سکه‌های تاریخی فرا هخامنشی و ساسانی توسط سایت حراج CNG آمریکا توسط رسانه‌های داخلی، روابطعمومی معاونت میراث‌فرهنگی به‌نقل از «یلا خسروی»، سرپرست اداره‌کل موزه‌ها، در پاسخ به سؤال «پیام ما» درباره جزئیات پیگیری این وزارتخانه برای توقف فروش سکه‌ها روز گذشته این پاسخ را برای روزنامه ارسال کرده‌اند. در این پیام آمده است: «معاونت میراث‌فرهنگی وزارت میراث‌فرهنگی گردشگری و صنایع‌دستی، به‌محض اطلاع از قصد سایت حراج نامبرده، نسبت به فروش تعدادی از سکه‌های تاریخی، پیگیری و مکاتبات لازم جهت درخواست توقیف فروش دو قطعه از این سکه‌ها که انتساب آنها به محوطه‌های باستانی ایران محرز دانسته شده، از طریق مراجع ذی‌ربط انجام داده است. با وجود اقدام قانونی و طرح ادعای مالکیت ایران بر سکه‌های مورد نظر و لزوم بازگرداندن آنها به کشور، حسب اطلاع واصله از وکیل محلی ایران، سایت حراج CNG در روز چهارشنبه یک قطعه از این سکه‌ها را به فروش رسانده است و فروش یک قطعه دیگر در دست اقدام است. ازاین‌رو، بررسی‌ها و اقدامات لازم درخصوص راهکارهای قانونی مربوط به استیفاء حق ایران نسبت به هر دو سکه در حال انجام است.»

خبر

ا فاطمه علی‌اصغر|

ا روزنامه‌نگار|

«سیدمحمد بهشتی»، عضو شورای‌عالی میراث فرهنگی و گردشگری درباره نعل مستولان به‌پایانه تعارض منافع در موضوع چگاسفلا به «پیام ما» می‌گوید: «اگر ما اهمیت موضوع را متوجه شویم، اصلاً تعارض منافع پیدا نمی‌شود. اینهایی که درباره تعارض منافع می‌گویند، اصلاً موضوع را نفهمیده‌اند. اهمیت این محوطه در سطح مدیریت کلان کشور مطرح است. آن‌هم فقط‌برای افتخار به گذشته بلکه برای نیاز و اهمیتی که برای مسائل روز سیاسی کشور دارد.» رئیس سابق سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی به‌پایانه تعارض منافع در آن منطقه انجام شد، نشان می‌دهد سابقه زیست ما در کرانه‌های خلیج‌فارس شش‌هزارساله است. ما می‌گوییم این خلیج، خلیج «فارس» است. از شش هزار سال پیش خلیج‌فارس است. اهمیت سیاسی این درس باید به آن پرداخت.» به‌زودی هم رئیس‌جمهور در راستای اهداف توسعه دریامحور می‌خواهد به خوزستان سفر کند. از سوی دیگر وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی بارها عنوان کرده: «اراده نظام حمایت از گردشگری دریامحور است.» پس چگونه است که یکی از مهمترین طرح‌های گردشگری به محوریت چگاسفلا همواره نادیده گرفته شده و سال‌هاست که روی میزهای وزارتخانه خاک خورده و می‌خورد؟

کرانه نجات مردم روستا و اسناد خلیج‌فارس روی هوا!

«عباس مقدم»، باستان‌شناس پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، وقتی موفق به کشف چگاسفلا شد، هرگز فکر نمی‌کرد روزی کاپوس گورهای شش‌هزارساله‌ای که ثابت می‌کند ایرانیان هزاران سال است در کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج‌فارس زندگی می‌کنند، فرابرسد و یافته‌های بی‌شماری که به‌طور متقن دست رد می‌زد به ادعاهای اخیر کشورهای عربی در زمینه نام خلیج‌فارس در آستانه‌یورانی قرار بگیرد. چگاسفلا سال‌هاست که وارد لیبرنت پیچده‌های شده است. مدیران میراث خوزستان به‌جای حفاظت از محوطه تاریخی مدعی ایجاد راه راه برای جامعه محلی شده‌اند؛ اگرچه برای همین ایجاد راه هم حاضر نیستند اقدامات بنیادین انجام دهند. چراکه از همان آغاز کشفیات، به‌جای پیگیری جابه‌جایی روستای روی عرصه این محوطه دست به اقدامات دیگری زده‌اند. حتی در سال ۱۳۹۹ معاون اول رئیس‌جمهوری در نامه‌ای با قید فوریت خواستار جابه‌جایی این روستا شد. دلیل این فوریت برای آن بود که هم مردم روستا در‌راه باشند و هم این سند حیاتی هویت‌ساز حفظ شود. اما عجیب است که پنج سال از ابلاغ این فوریت گذشته و این طرح هم‌اکنون به پیمانکار و بخش‌های بیرونی داده می‌شود. درحال‌حاضر، اگر این بنای تاریخی طرح مرمتی مناسبی داشته باشد، با کمک‌های مردمی می‌توانیم این بنا را نجات دهیم؛ چراکه این بنا در یک خیابان فرعی و حاشیه‌ای قرار گرفته است که اصلاً مورد توجه نیست، به‌طوری‌که حتی یک در ورودی هم ندارد.»

پیام‌های



خطر تخریب گورهای باستانی چگاسفلا؛ کشفی که تاریخ ایران را در کرانه‌های خلیج‌فارس بازنویسی کرد و به شش هزار سال قبل بازگرداند

هزاران شاهد ۶ هزارساله خلیج‌فارس در کام فاضلاب

سیدمحمد بهشتی: حفظ چگاسفلا ضرورت ملی و سیاسی است

سیدرضا صالحی امیری: اراده نظام حمایت از گردشگری دریامحور است

از هزاران گور شناسایی‌شده تنها ۱۰ گور در سال ۱۳۹۴ از دل خاک بیرون آمد که نه‌تنها جامعه باستان‌شناسی ایران را شگفت‌زده کرد، بلکه ثابت کرد ایرانیان از هزاران سال پیش ساکن کرانه‌های خلیج‌فارس بودند. آران‌پس بود که این آثار نقش حیاتی و کلیدی در امر ملی و سیاسی پیدا کردند. باوجوداین، سال‌هاست این گورها به حال خود رها شده‌اند. تهدید جدید این‌بار از این قرار است: «احداث سیستم دفع فاضلاب در زیستگاه متعلق به این گورها، حذف بند خاکی برپاشده به‌منظور حفاظت از گورستان و به‌سازی معابر روستا روی عرصه.» اقداماتی که به‌گفته بسیاری از کارشناسان منجر به تخریب این سند باستانی منحصر‌به‌فرد می‌شود. جالب اینجاست که این اتفاق در حالی می‌افتد که مقامات عالی حکومتی ایران همواره بر اهمیت اثبات نام خلیج‌فارس تأکید کرده و آن را حق ملت ایران دانسته‌اند. ملت ایران هم همواره با میلیون‌ها امضا اعلام کرده‌اند؛ خواستار حفاظت از حقانیت ایرانیان بر خلیج‌فارس هستند. اما چرا متولیان امر برای نجات این سرمایه فرهنگی، ملی و سیاسی اقدامی جدی و اساسی انجام نمی‌دهند؟

است تا مشکل مردم روستای چگاسفلا حل شود. «علیرضا ایزدی» می‌گوید: «من اصلاً در جریان مسائل آنجا نیستم و نمی‌دانم وقتی استاندار جدید آمد طرح جابه‌جایی روستا مطرح شده است یا نه؟» او در پاسخ به اینکه شما شرایط را در چگاسفلا چگونه می‌بینید، عنوان می‌کند: «ما در زمینه این محوطه تاریخی کوتاهی نمی‌کنیم، اما مطلوبیت مردم را باید در نظر گرفت. باید دید که در سنوات گذشته چه کارهایی انجام شده است. مسئله این است که باید بنیاد مسکن بیابید پای کار.» او در پاسخ به این مسئله که شما چه اقداماتی برای پای کار آمدن بنیاد مسکن انجام دادید؟ و چه مکاتباتی را تا امروز با ارگان‌ها و نهادهای مربوطه انجام داده‌اید؟ می‌گوید: «من خلیج‌فارس است. اهمیت سیاسی این درس باید به آن پرداخت.» به‌زودی هم رئیس‌جمهور در راستای اهداف توسعه دریامحور می‌خواهد به خوزستان سفر کند. از سوی دیگر وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی بارها عنوان کرده: «اراده نظام حمایت از گردشگری دریامحور است.» پس چگونه است که یکی از مهمترین طرح‌های گردشگری به محوریت چگاسفلا همواره نادیده گرفته شده و سال‌هاست که روی میزهای وزارتخانه خاک خورده و می‌خورد؟

کرانه نجات مردم روستا و اسناد خلیج‌فارس روی هوا!
«مصطفی پورعلی: جابه‌جایی امری شدنی است»
همین سؤال را از «مصطفی پورعلی»، مدیرکل امور پایگاه‌های میراث ملی و جهانی، پرسیدیم. می‌گوید: «محوطه چگاسفلا محوطه‌ای بسیار مهم و باارزش هم برای توسعه گردشگری منطقه است و هم می‌تواند حائز شرایط ثبت جهانی باشد. این اثر در فهرست موقت میراث جهانی نیز قرار دارد.» او ادامه می‌دهد: «متأسفانه همکاری خوبی در جهت رفع موانع ثبت جهانی این اثر از سوی مقامات محلی دیده نمی‌شود. توصیه من خدمت عزیزان در منطقه، توجه به چشم‌انداز ثبت جهانی این اثر است و نقشی که این امر می‌تواند برای توسعه پایدار منطقه ایفا کند. موضوع جابه‌جایی و اعطای اراضی معوض به ساکنین این محوطه امری شدنی است. پهنه‌ای برای اراضی معوض از سوی کارشناسان میراث پیشنهاد شده است، اما ظاهراً اختلاف‌نظرهایی راجع به مکان پیشنهادی است. وزارت آبادگی دارد هر محدود‌های که مقامات محلی پیشنهاد دارند را مورد پیگیری قرار دهد. نکته مهم این است که همه باید دست به دست هم بدهیم و کمک کنیم تا مشکلات این محوطه مهم با موقعیت خاص رفع شود.»

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

کرانه نجات مردم روستا و اسناد خلیج‌فارس روی هوا!
«مصطفی پورعلی: جابه‌جایی امری شدنی است»
همین سؤال را از «مصطفی پورعلی»، مدیرکل امور پایگاه‌های میراث ملی و جهانی، پرسیدیم. می‌گوید: «محوطه چگاسفلا محوطه‌ای بسیار مهم و باارزش هم برای توسعه گردشگری منطقه است و هم می‌تواند حائز شرایط ثبت جهانی باشد. این اثر در فهرست موقت میراث جهانی نیز قرار دارد.» او ادامه می‌دهد: «متأسفانه همکاری خوبی در جهت رفع موانع ثبت جهانی این اثر از سوی مقامات محلی دیده نمی‌شود. توصیه من خدمت عزیزان در منطقه، توجه به چشم‌انداز ثبت جهانی این اثر است و نقشی که این امر می‌تواند برای توسعه پایدار منطقه ایفا کند. موضوع جابه‌جایی و اعطای اراضی معوض به ساکنین این محوطه امری شدنی است. پهنه‌ای برای اراضی معوض از سوی کارشناسان میراث پیشنهاد شده است، اما ظاهراً اختلاف‌نظرهایی راجع به مکان پیشنهادی است. وزارت آبادگی دارد هر محدود‌های که مقامات محلی پیشنهاد دارند را مورد پیگیری قرار دهد. نکته مهم این است که همه باید دست به دست هم بدهیم و کمک کنیم تا مشکلات این محوطه مهم با موقعیت خاص رفع شود.»

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

آثار حفاظت کردند. کمترین تعرض و حفاری غیرمجاز را ما در این محوطه داریم.» این درحالی‌است که حفاظت از آثار میراث فرهنگی وظیفه ذاتی میراث‌فرهنگی است. او ادامه می‌دهد: «من کارشناس ۲۵ساله میراث‌فرهنگی هستم. در تمام دنیا حتی سختگیرانه‌ترین ضوابط در میراث جهانی نقش‌آفرینی مردم محلی است تا در کنار یک اثر تاریخی احساس رضایتمندی کنند. من هیچ ابایی ندارم که این موضوعات را بگویم حتی اگر مخالف با نظر صاحب‌نظران باشد. من به‌عنوان کارشناس محلی اینها را می‌گویم. به‌نفع اثر است که نیازمندی‌های مردم محلی در حدی که روند حفاظت و تداوم حیات اثر شود، تأمین شود.» این درحالی‌است که دهیار روستای چگاسفلا می‌گوید: «قرار بود اینجا پایگاه میراث فرهنگی شود، ساماندهی شود. وقتی باستان‌شناسان آمدند، گفتند اینجا بهشت روی زمین می‌شود. کدامیک از این اتفاق‌ها افتاده است؟» همین سؤال را از اسطوزاده پرسیدیم؟ چرا تاکنون ساختمان پایگاه پژوهشی و سایت موزه برای این محوطه راه‌اندازی نشده تا مردم امیدوار به آینده گردشگری این محوطه شوند؟ اسطوزاده می‌گوید: «بله همین مردم در کاوش‌ها بسیار به باستان‌شناسان کمک کردند و میزبانان اصلی این محوطه راه‌اندازی نیت داشتند.» اما نمی‌گوید که چرا تا امروز اداره میراث‌فرهنگی خوزستان به وظایف خود عمل نکرده است. او در ادامه می‌گوید: «سال‌هاست که فاضلاب آنها درگیر است و در استای بهداشت و البته با رعایت کامل قوانین حفاظت اثر بهتر است که این کار را انجام دهیم. در معابر هم برای جلوگیری از گل‌ولای، شرایط مناسب را ایجاد می‌کنیم؛ چراکه اینجا سیلاب‌های زیادی می‌بارد و تردد را دشوار می‌کند. در ضمن باعث فرسایش لایه هم می‌شود. ما همیشه در محوطه‌های تاریخی روی لایه‌ها را اینگونه می‌پوشانیم.» اسطوزاده همچنین تأکید می‌کند «در شورای فنی و شورای راهبردی هم این موضوع مطرح شده است. همان‌طورکه قبلاً کارکنی هم کردیم.» او در پاسخ به این سؤال که ساخت‌وسازهایی یک جامعه محلی قطعاً به این امور ختم نمی‌شود و مردم نیازهای بیشتری برای توسعه خواهند داشت، می‌گوید: «قطعاً ما اجازه ساخت‌وساز خلاف قوانین میراث‌فرهنگی نمی‌دهیم.» او بر این باور است: «من باید شرایط موجود را مدیریت کنم و عامل آسیب‌رسان جاری را متوقف کنم. همان‌طورکه سال‌هاست داریم برای جامعه محلی دوره‌های آموزشی می‌گذاریم.»

بررسی اظهارات اسطوزاده نشان می‌دهد گفته‌های او در تعارض آشکار با ضوابط مصوب و ابلاغ‌شده عرصه و حریم چگاسفلاست. مقدم در پاسخ به پرسش «پیام ما» درباره این اظهارات می‌گوید: «آقای اسطوزاده با این فرمایشات‌شان نشان دادند که از عرصه یک محوطه ضوابط باستان‌شناسی درک درستی ندارند. صحبت ایشان مثل این است که ما بیاییم و در وسط عرصه تخت‌چمشید یکسری ساخت‌وسازهایی را برای راحتی جامعه محلی ایجاد کنیم و ادعا کنیم ضوابط باستان‌شناسی را تأکید بر هم‌کنش با جوامع محلی دارد. متأسفم که برخی از مدیران و کارشناسان درک درستی از چیزی که یونسکو در بیانیه‌اش می‌گوید، ندارند. برهمکنش با جوامع محلی به این معنی نیست که شما به میراث باستانی پرارزش خود به‌پایانه زندگی بهتر مردم خدشه وارد کنی. برهمکنش با جامعه محلی یعنی آقای مدیر، یک بار که شده همت‌کن استین بالا بزن و برای ایجاد زیرساخت گردشگری، پایگاه پژوهشی و طرح جابه‌جایی روستا نقش یک هماهنگ‌کننده فعال را بازی کن تا هم میراث بتواند برجا بماند و هم مردم روی عاقبت را به خود ببینند. متأسفم که برخی از مدیران ما در برابر میراث فرهنگی این سرزمین تا این حد غیر مسئولانه عمل و رفتار می‌کنند.»

کرانه نجات مردم روستا و اسناد خلیج‌فارس روی هوا!
«مصطفی پورعلی: جابه‌جایی امری شدنی است»
همین سؤال را از «مصطفی پورعلی»، مدیرکل امور پایگاه‌های میراث ملی و جهانی، پرسیدیم. می‌گوید: «محوطه چگاسفلا محوطه‌ای بسیار مهم و باارزش هم برای توسعه گردشگری منطقه است و هم می‌تواند حائز شرایط ثبت جهانی باشد. این اثر در فهرست موقت میراث جهانی نیز قرار دارد.» او ادامه می‌دهد: «متأسفانه همکاری خوبی در جهت رفع موانع ثبت جهانی این اثر از سوی مقامات محلی دیده نمی‌شود. توصیه من خدمت عزیزان در منطقه، توجه به چشم‌انداز ثبت جهانی این اثر است و نقشی که این امر می‌تواند برای توسعه پایدار منطقه ایفا کند. موضوع جابه‌جایی و اعطای اراضی معوض به ساکنین این محوطه امری شدنی است. پهنه‌ای برای اراضی معوض از سوی کارشناسان میراث پیشنهاد شده است، اما ظاهراً اختلاف‌نظرهایی راجع به مکان پیشنهادی است. وزارت آبادگی دارد هر محدود‌های که مقامات محلی پیشنهاد دارند را مورد پیگیری قرار دهد. نکته مهم این است که همه باید دست به دست هم بدهیم و کمک کنیم تا مشکلات این محوطه مهم با موقعیت خاص رفع شود.»

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

نزدیک به اینجا آمدند و اندک اندک ساکن شدند. درواقع، مسئولان میراث‌فرهنگی باید در این زمینه روشنگری کنند. همین سؤال را از دهیار روستا پرسیدیم، اما او حاضر نمی‌شود آماری از خانوارهای این روستا بدهد: «بروید از مسئولان پرسید.» پیش از مسئولان، ما از گوگل پرسیدیم: «براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، جمعیت این روستا ۱۴۲ نفر یعنی ۳۶ خانوار بوده است.» تحقیقات میدانی ما با همکاری «مجتبی گهستونی»، فعال میراث‌فرهنگی، نشان می‌دهد امسال جمعیت این روستا براساس آمار خانه بهداشت زیدون، شامل ۲۰ خانوار می‌شود و اکثر بومی‌ها که اهل چگاسفلا هستند، در مناطق دیگر از جمله در اطراف سردشت زندگی می‌کنند. این تحقیقات همچنین گویای آن است که بهترین مکان بنا بر نظرسنجی برای جابه‌جایی اهالی این روستا در اطراف «سردشت» است.

آیا با وجود این شرایط باز هم به‌زعم مدیر سابق میراث خوزستان جابه‌جایی این روستا ایدئال است؟ درحالی‌که فقط گوشه‌ای ناچیز از هزینه‌هایی را که سالانه صرف مسائل سیاسی و چالش‌هایی از این‌دست برای خلیج‌فارس می‌شود، باید برای جابه‌جایی ۲۰ خانوار صرف کرد. آیا این مردم حق ندارند جای بهتری در سردشت برای خود داشته باشند؟ دهیار روستا به ما می‌گوید: «من شرمندم مردم روستا هستم؛ برای اینکه همه روستاهای زیدون پیشرفت داشتند، اما من نتوانستم کاری برایشان انجام دهم.» او در پاسخ به این سؤال که «بهرحال شما این‌بار فاضلاب بکشید یا معابر را درست کنید، همواره درگیر ساخت‌وساز و گسترش ویلاها و نیازهای مردم روستا هستید. پس بهتر نیست که جابه‌جا شوید؟» می‌گوید: «اگر شرایط زندگی ما سخت شود، در آن‌صورت ما دیگر اجازه کاوش نمی‌دهیم. ما حتی اگر پایگاهی اینجا ساخته شود، خرابش می‌کنیم؛ چون ما میزبانان خوبی بودیم، اما آنها به تعهدات خود عمل نکردند.» بیشتر انتقادات او معطوف به گروه باستان‌شناسان است. درحالی‌که اگر تعهدات به جابه‌جایی، برای گسترش گردشگری انجام می‌شد، شاید دهیار این اندازه ناراحت و خشمگین نبود. به‌نظر می‌رسد وقتی دومیونی بی‌مسئولیتی شکل بگیرد تا ناگجا ادامه پیدا می‌کند و حتی دهیار روستا هم یکی از مهمترین وظایف خود را نادیده می‌گیرد؛ چراکه براساس ماده ۶۹ (اصلاحی ۱۳۸۲/۷۰۶۰۱) قانون انتخابات شورای اسامی شهر و روستا، دهیار موظف است: «با مسئولان ذی‌ربط در جهت حفظ نگهداری و بهبودیاری منابع طبیعی و میراث فرهنگی واقع در روستا همکاری کند.»

کرانه نجات مردم روستا و اسناد خلیج‌فارس روی هوا!
«مصطفی پورعلی: جابه‌جایی امری شدنی است»
همین سؤال را از «مصطفی پورعلی»، مدیرکل امور پایگاه‌های میراث ملی و جهانی، پرسیدیم. می‌گوید: «محوطه چگاسفلا محوطه‌ای بسیار مهم و باارزش هم برای توسعه گردشگری منطقه است و هم می‌تواند حائز شرایط ثبت جهانی باشد. این اثر در فهرست موقت میراث جهانی نیز قرار دارد.» او ادامه می‌دهد: «متأسفانه همکاری خوبی در جهت رفع موانع ثبت جهانی این اثر از سوی مقامات محلی دیده نمی‌شود. توصیه من خدمت عزیزان در منطقه، توجه به چشم‌انداز ثبت جهانی این اثر است و نقشی که این امر می‌تواند برای توسعه پایدار منطقه ایفا کند. موضوع جابه‌جایی و اعطای اراضی معوض به ساکنین این محوطه امری شدنی است. پهنه‌ای برای اراضی معوض از سوی کارشناسان میراث پیشنهاد شده است، اما ظاهراً اختلاف‌نظرهایی راجع به مکان پیشنهادی است. وزارت آبادگی دارد هر محدود‌های که مقامات محلی پیشنهاد دارند را مورد پیگیری قرار دهد. نکته مهم این است که همه باید دست به دست هم بدهیم و کمک کنیم تا مشکلات این محوطه مهم با موقعیت خاص رفع شود.»

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان امیدوارند این اتفاق برای چگاسفلا هم بیفتد. اما اسطوزاده آن را ایدئالی می‌داند که معلوم نیست اجرایی شود. بنابراین، نباید برآوردن نیازهای روستای فعلی را متوقف کرد.

اجلاس بین‌المللی تجدیدپذیرها در «ابوظبی»؛ فرصت مهم ایران برای جذب سرمایه و فناوری روز

تعهد به توسعه پایدار

«فرانچسکو لاکرما»، دبیرکل آیرنا؛ آژانس آماده همکاری‌ها در تسهیلگری اجرای پروژه‌ها، تهیه گزارش‌های آمادگی گذار انرژی در ایران و سایر محوره‌های پیشنهادی طرفین است

حضور فعال نمایندگان ایران در اجلاس ابوظبی، با هدف جذب سرمایه و تکنولوژی‌های نوین برای توسعه انرژی تجدیدپذیر و رفع ناترازی برق مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفت



تصویری از اجلاس ابوظبی

ایپام|ایران به نقطه‌ای از ناترازی و وضعیت شکننده محیط‌زیستی به‌ویژه آلودگی هوای ناشی از سوخت نیروگاه‌ها و مازوت‌سوزی رسیده است که چاره‌ای جز توسعه انرژی‌های تجدیدپذیرها در کشور با همه اواگرهایش ندارد. حقیقتی که نظر حضور نمایندگان ایران و نمایندگان‌شان را در اجلاس انرژی‌های تجدیدپذیر ۲۰۲۵ که در «ابوظبی» در حال برگزاری است، جدی‌تر کرده است؛ حضوری که با استقبال جامعه بین‌الملل نیز مواجه شده است. تسهیل همکاری انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد مستقر در ایران با آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر مهمترین توافق‌های این اجلاس بود. همچنین، نمایندگان «آیرنا» ابراز امیدواری کردند این تعاملات گسترش پیدا می‌کند. «فرانچسکو لاکرما»، دبیرکل آیرنا، نیز در این اجلاس با اشاره به عضویت ایران در شورای آژانس، بر توسعه همکاری‌ها در راستای تسهیلگری اجرای پروژه‌ها، تهیه گزارشات آمادگی گذار انرژی در ایران با مشارکت آژانس و سایر محوره‌های پیشنهادی طرفین تأکید کرد.

اخبار رسیده از «ابوظبی» و در حاشیه پانزدهمین نشست مجمع آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر (IRENA) نشان می‌دهد نمایندگان ایران حضوری فعال در این نشست برای جذب سرمایه‌گذاری و تکنولوژی‌های به‌روز به منظور توسعه انرژی تجدیدپذیر و جبران بخشی از ناترازی سنگین برق در کشور دارند. این رویداد که نخستین رویداد بین‌المللی حوزه انرژی در سال جدید است، با محوریت «تسریع گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر» برگزار شد و میزبان نمایندگان ۱۷۰ کشور عضو، سازمان‌های بین‌المللی و تخصصی فعال در حوزه انرژی است. روز گذشته و به‌منظور مرور همکاری‌های جلسه‌ای با حضور «محسن طرزطلب» ریاست ساتبا، «بینو یارتان» مدیر بخش مشارکت و همکاری‌های کشوری «آیرنا» و «طارق احمد» مدیر بخش منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقای این نهاد، در حاشیه اجلاس سران آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر برگزار شد.

آژانس آمادگی ایران برای تجدیدپذیرها

براساس آنچه یاون، وب‌سیاست اطلاع‌رسانی وزارت نیرو، گزارش کرده است، در این نشست جزئیات فرایند تهیه گزارش آمادگی توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و گذار انرژی

نگاه کارشناس



سید سعید سادات موسوی | پژوهشگر حوزه زیرساخت‌های شهری |

در کالیفرنیا، مدل کلاسیک تأمین مالی دولت‌های محلی (شهرداری‌ها) بر مالیات و عوارض وابسته است. به این معنا که وقتی شهرداری یک شهر بخش زیادی از بودجه سالانه خود را از ارزش روز املاک شهروندان تأمین می‌کند، کاهش رسمی یا واقعی قیمت خانه‌ها برای آن شهرداری به‌منزله یک «درد مضاعف» است. یک‌بار درآمد مالیاتی‌شان را پایین می‌آورد و بار دیگر میل به مشارکت در طرح‌های پرهزینه، مانند بازطراحی شبکه‌های زیرساختی برق یا تأمین منابع آب پایدار، را در آنها تضعیف می‌کند. اگر رسماً اعلام شود که یک محدوده شهری «ریسک بالای آتش‌سوزی» دارد یا قوانین سختگیرانه‌ای برای ساخت‌وساز در مناطق جنگلی و حومه شهری تصویب شود، قیمت خانه‌ها افت پیدا می‌کند و درآمد شهرداری‌ها کم می‌شود. از همین‌روست که مدیران شهری انگیزه قوی‌ای دارند تا خطر را خیلی بزرگ جلوه ندهند یا حتی بعضی وقت‌ها نادیده بگیرند؛ چون دولت‌های شهری می‌توانند با ارزیابی دوباره قیمت

املاک، درصدی از ارزش ملک را به‌عنوان مالیات دریافت کنند و با این منبع، هزینه‌های زیرساخت شهری و خدمات عمومی مانند پلیس، آتش‌نشانی، آموزش عمومی و غیره را بپردازند. در این ایالت، باتوجه به تجربه تاریخی مالیات‌های ایالتی و محدودیت‌هایی که در پی تصویب «پیشنهاد ۱۳» شکل گرفت، شهرداری‌ها نسبت به بسیاری از ایالت‌های دیگر آمریکا، محدودیت‌های بیشتری در افزایش نرخ مالیات دارند. همین موضوع سبب شده است شهرها و شهرستان‌ها برای حفظ درآمدشان، تمایل زیادی به «بالا نگذاشتن» یا دست‌کم «کاهش ندادن» ارزش اسمی املاک در محدوده تحت مدیریت خود را داشته باشند. حال وقتی خطر بزرگی مثل آتش‌سوزی مطرح می‌شود، دولت‌های محلی به‌طور ضمنی در دروازه قرار می‌گیرند؛ اگر خطر به رسمیت شناخته شود، بیم آن می‌رود که خریداران آتی یا مالکان فعلی، قیمت خانه‌ها را پایین بیاورند و در نتیجه مالیات کمتری عاید شهرداری‌ها

آتش‌سوزی لس‌آنجلس و نقش مالیات محلی

شود. این عدم تمایل به شفاف‌سازی ریسک، به‌ظاهر مشکل ناچیزی می‌آید، اما در عمل، سبب می‌شود شهرداری‌ها از انجام اقدامات جدی پیشگیرانه یا اعلام محدودیت‌های ساخت‌وساز در مناطق پرمخاطره‌پرهیز کنند. از سوی دیگر، شرکت‌های بیمه که پیوسته در حال محاسبه ریسک و سودآوری هستند، بدون توجه به انگیزه‌های مالیاتی شهرداری‌ها عمل می‌کنند. به بیان دیگر، اگر مدل‌های آماری این شرکت‌ها نشان دهد که احتمال وقوع آتش‌سوزی در منطقه‌ای خاص بسیار بالاست، یا نرخ بیمه‌نامه‌ها به‌شدت بالا می‌رود یا اصلاً از تمدید بیمه آن خانه‌ها سر باز می‌زنند. بدین‌ترتیب، تضاد منافع بین نهاد محلی (که می‌خواهد ارزش خانه‌ها پایین نیاید) و شرکت بیمه (که نمی‌خواهد در معرض زیان غیر قابل پیش‌بینی قرار بگیرد) شکل می‌گیرد. خانوارها نیز در این میان گرفتار می‌شوند؛ آنها یا باید بیمه‌ای گران‌قیمت تهیه کنند یا ناچاراً بدون بیمه بمانند. در هر دو حالت، تاب‌آوری جامعه در

همچنین، «رضا عامری»، سفیر جمهوری اسلامی ایران در امارات متحده عربی، از سخنرانان روز نخست نشست بود که بر تعهد ایران به توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تأکید کرد. او ضمن اشاره به جایگاه ایران به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان پیشرو نفت و گاز، با تأکید بر اهتمام ایران به تنوع‌بخشی به سبد انرژی گفت: ایران تاکنون حدود ۱.۳ گیگاوات ظرفیت انرژی تجدیدپذیر، شامل نیروگاه‌های خورشیدی، بادی، زیست‌توده و نیروگاه‌های کوچک برقابی، نصب کرده است. او همچنین از پروژه‌های بزرگ در حال اجرا، به‌ویژه بیش از ۱۰ گیگاوات پروژه انرژی خورشیدی خبر داد و گفت: «ایران برای افزایش ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر به ۳۰ هزار مگاوات تا سال ۲۰۳۰ در چارچوب چشم‌انداز «ساتبا ۲۰۳۱» هدف‌گذاری کرده است. ایران با همکاری بخش خصوصی و تقویت پژوهش و فناوری‌های بومی، مسیر گذار انرژی خود را دنبال می‌کند.»

لزوم تقویت همکاری

عامری همچنین ضمن اعلام آمادگی ایران به‌عنوان عضو جدید شورای IRENA برای ایفای نقش مؤثر در بررسی برنامه‌ها، بودجه‌ها و تقویت همکاری بین کشورهای عضو، بر لزوم تقویت همبستگی بین‌المللی برای دستیابی به هدف سه برابر کردن ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر تا سال ۲۰۳۰ تأکید کرد و خواستار همکاری فراگیر برای تضمین آینده‌ای پایدار و عادلانه در حوزه انرژی شد. این نشست با حضور سران کشورها و مقامات ارشد، از ۱۲ تا ۱۸ ژانویه ۲۳ تا ۲۹ دی ماه در حال برگزاری است. انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان یک راهکار کلیدی در راستای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است. ایران نیز به‌عنوان کشوری با منابع غنی انرژی، در تلاش است تا از این ظرفیت‌ها بهره‌برداری کند. سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی ایران همچنان پایین است. به‌طور تقریبی، تنها حدود دو درصد از کل انرژی مصرفی کشور از منابع تجدیدپذیر تأمین می‌شود. در سال‌های اخیر، نیروگاه‌های خورشیدی به‌عنوان یکی از مهمترین منابع تجدیدپذیر در ایران شناخته شده‌اند. با وجود ظرفیت بالای تابش خورشید در بسیاری از مناطق، تعداد نیروگاه‌های فعال همچنان محدود است و نیاز به سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها وجود دارد.

ایران متعهد به تجدیدپذیرها

در مراسم افتتاحیه نمایشگاه جانبی این رویداد نیز که با حضور بیش از ۳۰ هزار نفر از ۱۱۲ کشور جهان برگزار شد، رئیس دولت امارات متحده عربی و رؤسای جمهوری کشورهای قزاقستان، ازبکستان، آذربایجان، نیجریه، کنیا و... حضور داشتند. شرکت MASDAR در مراسم افتتاحیه این رویداد از طرح خود برای ساخت نیروگاهی تجدیدپذیر برای تأمین برق پایه شبکه رونمایی کرد که در آن ترکیب پنج گیگاوات نیروگاه خورشیدی با ۱۹ گیگاوات باتری قادر خواهد بود هزار مگاوات برق را در تمام ساعات شبانه‌روز در طول سال به شبکه تزریق کند. این نیروگاه قرار است در مساحت ۹۰ کیلومترمربع با هزینه شش میلیارد دلار در ابوظبی برق ۵۰۰ هزار خانه را بدون انتشار کربن تأمین کند. طی سال‌های اخیر توسعه تجدیدپذیرها کلید خورد، اما دولت چهاردهم برنامه‌های جدی‌تری برای توسعه این انرژی دارد. تاجایی‌که مسئولان دولتی به‌تازگی از حمایت‌های گسترده دولت و برنامه‌ریزی برای افزایش ظرفیت تولید برق تجدیدپذیر به ۳۰ تا ۵۰ هزار مگاوات خبر دادند.

برابر آتش‌سوزی‌ها کاهش می‌یابد. یکی دیگر از ابعاد مهم این ماجرا، موضوع زیرساخت‌هاست. بخش مهمی از درآمد مالیاتی املاک قرار است صرف تأمین و نوسازی زیرساخت‌هایی شود که نقش کلیدی در مهار آتش‌سوزی دارند؛ از خطوط انتقال برق گرفته تا شبکه‌های تأمین آب و جاده‌های دسترسی به مناطق جنگلی. اما همین زیرساخت‌ها، اگرچه سود درازمدت برای امنیت عمومی دارد، می‌تواند در کوتاه‌مدت هزینه‌بر باشد و حتی محاسبه (در قالب عوارض یا تعدیل ارزش املاک) به ملایق شهرداری‌ها خوش نیاید. تصور کنید اگر با اعلام یک منطقه خاص به‌عنوان «حوزه خطر آتش‌سوزی» همراه با تدوین مقررات سختگیرانه برای ساخت‌وساز، ارزش املاک در آنجا کاهش یابد، دولت محلی بودجه کمتری به‌دست می‌آورد و حتی قادر نخواهد بود طرح‌های پیشگیرانه را با جدیت تمام دنبال کند. در واقع، دولتی که بر مالیات املاک متکی است، ممکن است در دو برابر طول «پرهیز از پذیرش ریسک» و «تأمین ناگافی» بودجه برای این‌ساز» گرفتار بگردد. از نگاه علم اقتصاد، این وضعیت مثالی از «شکست هماهنگی» بین نهادیانی است که همگی اهداف مشخصی دارند، اما در غیاب



خبر

امضای ۱۳ سند همکاری میان ایران و تاجیکستان

در جریان دیدار و گفت‌وگوی تجار ایرانی و تاجیکستانی، ۱۳ سند همکاری بین فعالان اقتصادی دو کشور امضا شد. به‌گزارش پایگاه خبری اتاق ایران آنلاین، «صمد حسن‌زاده»، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، عصر روز پنجشنبه در پی نشست رؤسای جمهور ایران و تاجیکستان و در ادامه همایش تجاری، سرمایه‌گذاری و گردشگری تاجیکستان و برگزار شد، با بیان اینکه امروز شاهد گامی مهم در تقویت پیوندهای تجاری و اقتصادی میان ایران و تاجیکستان هستیم، گفت: «این دیدار تأییدی بر تعهد دو ملت بزرگ و دو دولت نسبت به همکاری و هم‌افزایی در عرصه‌های مختلف صنعتی، تجاری و گردشگری است.»



نماینده سفارت جمهوری اسلامی ایران در امارات ابراز امیدواری کرد نماینده مقیم ایران در آیرنا به‌زودی به آژانس معرفی و پیگیری تعاملات با این نهاد مهم بین‌المللی تسهیل شود

او هدف از سفر هیئت تجاری ایران را بررسی فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری میان ایران و تاجیکستان با محوریت بخش خصوصی عنوان کرد و گفت: «هیئت تجاری که بیش از یکصد تن از بازرگانان ایرانی از حوزه‌های تخصصی مختلف در آن حضور دارند، در آستانه سفر دکتر پزشکیان به کشور دوست و برادر تاجیکستان، با امیدواری بسیاری عازم دوشنبه شد. این امید ناشی از روابط سیاسی و اجتماعی مستحکم میان دو کشور و علاقه‌مندی متقابل رؤسای جمهور ایران و تاجیکستان برای توسعه و تعمیق روابط همه‌جانبه است.»

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران همچنین از دیدار و گفت‌وگوی تجار ایرانی و تاجیکستانی و امضای ۱۳ سند همکاری بین فعالان اقتصادی دو کشور در جریان این سفر خبر داد و افزود: «همچنین مذاکرات مثبتی با مقامات بلندپایه تاجیکستان از جمله وزیر توسعه اقتصاد و تجارت، رئیس کمیته سرمایه‌گذاری و رئیس کمیته گردشگری این کشور انجام گرفت. مسئولان ارشد اقتصادی کشور تاجیکستان در دیدارهایی که در جریان این سفر صورت گرفت، یکصد از اراده و تلاش دولت تاجیکستان برای ارتقای رتبه ایران در بین شرکای تجاری این کشور سخن گفتند و بر تدوین نقشه راه بلندمدت برای توسعه مناسبات بین دو کشور تأکید کردند.»



ایران برای افزایش ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر به ۳۰ هزار مگاوات تا سال ۲۰۳۰ در چارچوب چشم‌انداز «ساتبا ۲۰۳۱» هدف‌گذاری کرده است

به‌گفته او، اشتراکات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی میان ایران و تاجیکستان و ظرفیت‌های موجود در تاجیکستان، چشم‌انداز بسیار روشنی برای مرادفات تجاری و اقتصادی بین ایران و تاجیکستان به‌عنوان یک مقصد استراتژیک برای سرمایه‌گذاران و تجار ایرانی نمایان می‌سازد: «جایگاه رئیس‌جمهور تاجیکستان در میان مردم نجیب و فرهنگ‌دوست این کشور؛ دانش و روحیه سازنده و مردمی رئیس‌جمهور پزشکیان و علاقه‌مندی تجار ایرانی و تاجیکستانی به توسعه همکاری‌ها، تصمیمی برای تحقق چشم‌انداز بلندمدت در روابط اقتصادی و فرهنگی دو کشور است. به‌گونه‌ای‌که این سفر تاریخی می‌تواند تأثیر بسزایی در تقویت همکاری‌ها به‌ویژه در حوزه‌های خدمات فنی و مهندسی، صادرات محصولات ساختمانی، کشاورزی، دارویی و تجهیزات پزشکی داشته باشد.» حسن‌زاده، انعقاد تفاهم‌نامه‌های تجاری بین اعضای هیئت عالی‌رتبه ایرانی و مقامات تاجیکستانی در جریان این سفر را مورد توجه قرار داد و توضیح داد: «این تفاهم‌نامه‌ها زمینه افزایش سرمایه‌گذاری مشترک و بهره‌گیری هرچه بیشتر از ظرفیت‌های موجود دو کشور به‌نفع دو ملت را بیش از پیش مهیا می‌کند. ارائه تسهیلات و مشوق‌های سرمایه‌گذاری» و «تسهیل تجارت» لازمه افزایش همکاری‌ها است. این حداقل انتظارات بخش خصوصی از مسئولان محترم دولت‌های دو کشور است تا فعالان اقتصادی بتوانند در رقابت با رقبای قدرتمند به تثبیت و گسترش جایگاه خود در بازار بپردازند. بخش مهمی از دغدغه‌های فعالان اقتصادی دو کشور، تسهیل در زمینه حمل‌ونقل و مدیریت هزینه‌های حمل‌ونقل است که باید برای دو کشور با فاصله نزدیک سرزمینی، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد. او دغدغه دیگر بخش خصوصی را به موضوع تعرفه‌ها و عوارض مربوط دانست که برای تسهیل روابط بخش خصوصی دو کشور باید در مذاکرات میان دولت‌ها گنجانده شود و زمینه همکاری بیشتر ایجاد شود. رئیس اتاق ایران با بیان این مطلب که اتاق‌های بازرگانی ملی دو کشور باید همت خود را مصروف شکل‌گیری این پیوندها کرده و سرمنشأ همکاری‌ها باشند، گفت: «توسعه همکاری‌ها می‌تواند منجر به ایجاد اشتغال و بهبود سطح رفاه در هر دو کشور شود.»

مشوق‌ها یا قوانین مناسب، دست به اقداماتی می‌زنند که در بلندمدت به زیان عموم خواهد بود. دولت ملی می‌تواند با اختصاص یارانه و قوانین هماهنگ‌کننده، به اصلاح این ساختار کمک کند. برای نمونه، بخشی از منبع مالیاتی جدید برای ایمن‌سازی زیرساخت‌ها می‌تواند توسط سطوح بالاتر (ایالتی و ملی) تأمین شود، یا شرکت‌های بیمه تشویق شوند که بخشی از پروژه‌های مدیریت پوشش گیاهی و نوسازی خطوط برق را تأمین مالی کنند. همچنین، می‌توان با ایجاد یک چارچوب شفاف برای ارزیابی «بهای واقعی ریسک» و اجباری سیاست‌های جبرانی مانع از زمین‌گیری شهرداری‌ها ناشی از کسری بودجه‌شان شد. در نهایت، ماجرای آتش‌سوزی‌های لس‌آنجلس نشان می‌دهد سیاست مالیاتی محلی، هرچند به‌ظاهر سادترین روش برای تأمین منابع مالی محسوب می‌شود، می‌تواند در شرایط خاص زمینه‌ساز تصمیم‌های نامناسب شود. تضاد منافع بین شهرداری‌ها که می‌ایل‌اند ارزش املاک بالا بماند و شرکت‌های بیمه که ناچار به واقعی‌بینی در نرخ‌گذاری هستند، خانوارها را در برابر ریسک فاجعه‌آمیزی مانند آتش‌سوزی آسیب‌پذیر خواهد کرد.



عکس نوشت



خانه و موزه «لطفعلیان» در شهرستان ملایر استان همدان، بخشی از یک مجموعه سکونتگاهی باقیمانده از دوره قاجار است. این بنای تاریخی در سال ۱۳۸۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید.

منبع: میراث آریا

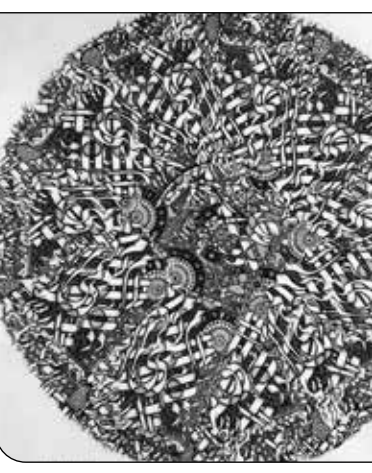
سوءتفاهم درباره واژه «فرسته»

دبیر کارگروه واژه‌های عمومی گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی با بیان اینکه «فرسته» از واژه‌هایی است که توسط مردم ساخته شده است، گفت: این واژه در برابر «سوشیال‌مدیا پست» ساخته شده است نه «اداره پست». مهدیه برآبادی در گفت‌وگو با ایسنا گفت: فرهنگستان در برابر «پست» در فضای مجازی» و مفهوم «امکانی که در شبکه‌های اجتماعی برای فرستادن یک محتوا وجود دارد»، معادل «فرسته» را تصویب کرده است.

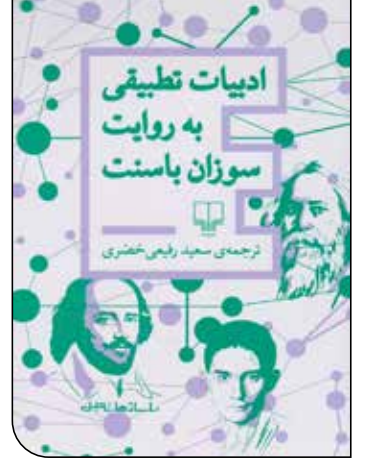


تلفیق تنوع‌زیستی و هنر در «کاف»

نمایشگاه انفرادی «احمد خداداد» با عنوان «کاف» روز جمعه، ۲۸ دی، در خانه هنر حسام برگزار شد. به گزارش مهر، این هنرمند «تنوع‌زیستی» را وارد هنر کرده است. تحصیلات او در رشته منابع طبیعی و کارشناسی ارشد محیط‌زیست است. خداداد در این آثار سعی کرده است کلمات نستعلیق را به دور از ادبیات، دفرمه و یکسری عناصر را غیر از عناصر خوشنویسی، شامل نقطه، خط و سطح اضافه کند.



قفسه



مسیرهای جدیدی برای تفکر درباره ادبیات در دنیای جهانی شده می‌گشاید. ادبیات تطبیقی به روایت سوزان باسنت دعوتی است برای شناخت عمیق‌تر ادبیات تطبیقی رسته‌ای که مرزهای زبانی و فرهنگی را زیر پا می‌نهد تا پیوند میان متون و زمینه‌های آنها را بررسی کند. کتاب ادبیات تطبیقی به روایت سوزان باسنت، افزون‌بر مقدمه مترجم، واژه‌نامه و نمایه شامل پیشگفتار و هفت فصل است. در پیشگفتار این کتاب با عنوان «امروز ادبیات تطبیقی چیست؟» باسنت بیان می‌کند که هر کس داعیه فعالیت در حوزه ادبیات تطبیقی دارد، نمی‌تواند از پاسخ به این سؤال سر باز زند.

ادبیات تطبیقی به روایت سوزان باسنت

کتاب «ادبیات تطبیقی به روایت سوزان باسنت» با ترجمه «سعید رفیعی خضری» از سوی نشر چشمه به چاپ رسیده است. به گزارش ایسنا، سوزان ادنا باسنت، (متولد ۱۹۴۵) مترجم، نظریه‌پرداز، منتقد ادبی، شاعر و روزنامه‌نگار انگلیسی، یکی از برجسته‌ترین استادان در حوزه ادبیات تطبیقی است. باسنت در طول این سال‌ها در دانشگاه‌های کشورهای گوناگون اروپایی، آمریکایی، آفریقایی و آسیایی سخنرانی و تدریس کرده که همین امر منجر به آشنایی او با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون شده است. او صاحب بیش از ۲۰ عنوان کتاب و صدها مقاله در حوزه‌های ادبیات تطبیقی، ترجمه‌پژوهی، نقد و نظریه ادبی و حتی شعر است ادبیات تطبیقی رشته‌ای است که در محدوده ادبیات یک کشور نمی‌ماند و یا به عرصه گسترده ادبیاتی می‌گذرد که گوته آن را «ادبیات جهان» می‌نامید. در این کتاب سوزان باسنت، تاریخچه ادبیات تطبیقی ریشه‌ها تحولات و چالش‌های معاصر این رشته را بررسی می‌کند و به نظریه‌های کلیدی و مباحثی می‌پردازد که در طول زمان این رشته را شکل داده‌اند و با نقد جنسیت‌محور، مطالعات نظریه دریافت، رشد، مطالعات ترجمه شالوده‌شکنی، شرق‌گرایی و... در عین ارائه چهارچوب‌های نظری محکم و قابل‌اعتماد

گزارش روز

درباره کارنامه «سید ابراهیم نبوی» که دور از وطن درگذشت در حسرت آخرین لبخند در وطن



«عصر آزادگان» و سواد سیاسی‌اش باعث شد که برای خواندن مطالب او این روزنامه‌ها به خانه ایرانی‌های زیادی راه پیدا کنند. او پس از توقیف هر روزنامه سراغ روزنامه دیگری می‌رفت و یک ستون طنز با عنوان جدی راه می‌آنداخت؛ عنوان‌هایی مانند «ستون پنجم»، «ستون چهارم» و در نهایت «بی‌ستون». او نویسنده کتاب‌ها و مقالات بسیاری است که برخی از آنها به زبان طنز، مسائل اجتماعی و سیاسی ایران را بازتاب می‌دهند. نبوی در دوران فعالیت خود در ایران، بدلیل نوشته‌های طنز انتقادی که اغلب حاوی نقدهای صریح نسبت به سیاست‌های حکومت و مسائل اجتماعی بود، با سانسور و محدودیت مواجه شد. او در دهه ۸۰ بدلیل این فشارها و محدودیت‌ها از کشور مهاجرت کرد. پس از مهاجرت فعالیت‌های خود را در زمینه طنز و روزنامه‌نگاری ادامه داد، اما گمان نمی‌کرد دوری از وطن برای او موضوعی «همیشگی» باشد. آن‌طور که «خبرآنلاین» نوشته، امیدواری او برای بازگشت به ایران تا جایی بود که در مصاحبه‌های پس از انتخاب «حسن روحانی» به عنوان رئیس‌جمهور اظهار امیدواری کرده بود که در فضای جدید بتواند به ایران بازگردد و گفته بود «فضای خوبی است» و دیگر «ضرورتی برای ماندن در بیرون نمی‌بینم.» او حتی در شب پیروزی «مسعود پزشکیان» در انتخابات ۱۴۰۳ باز هم در پیامی صوتی درخواست بازگشت به ایران را داده بود. پس از اعلام خبر مرگ خودخواسته او در شهر سیلورسپرینگ ایالت مریلند، «علی ربیعی»، دستیار ویژه رئیس‌جمهور نیز در شبکه اجتماعی «ایکس» به مرگ او واکنش نشان داد و نوشت که «ای کاش مسیر برای برگشت کشورش برای او و دیگری که دل در گرو ایران دارند، فراهم می‌بود.» «ماشالله شمس‌الواعظین»، روزنامه‌نگار پیشکسوت که در زمان سردبیری او در روزنامه «جامعه» نبوی ستون طنز داشته، پیامی ویدئویی در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد و در بخشی از آن گفت: «نبوی قبلاً احتمال دو چیز را با من در میان گذاشته بود. یکی آمدن به فرودگاه تهران و دوم خودکشی. در مورد بند اول استقبال کردم و در مورد بند دوم تهنیت کردم. داور سیاه‌ترین مرگ را انتخاب کرد.»

صدف سرداری | خبرنگار

چندبعدی به موضوع نگاه می‌کرد و این ویژگی، طنز او را تقویت می‌کرد.» او درباره علاقه نبوی به ایران و تمایلش به تأثیرگذاری توضیح می‌دهد: «آثار نبوی و علاقه‌اش به ماندن در این کشور همه حکایت از این داشت که می‌خواست به ایران برگردد و به کنشگری در ایران قوت و قدرت دهد.»

تحصیلات دانشگاهی نبوی در رشته جامعه‌شناسی و سابقه فعالیت سیاسی‌اش شاید یکی از دلایلی است که طنز او را برآمده از سواد سیاسی‌اش بدانیم. «حامد مهربانی»، طنزپرداز و پژوهشگر رسانه، در این‌باره به «پیام ما» می‌گوید: «از این‌جهت علاوه‌بر دانش و مطالعات فراوان سیاسی و تاریخی، اهل تعاملات سیاسی هم بود و مثل صابری قومنی (گل‌آقا) با بسیاری از سیاست‌شناسان و نویسندگان و فعالان سیاسی‌اش ارتباطات و کتابت‌های سیاسی استفاده می‌کرد، از بهترین‌های نوع خودش بود.» او درباره تأثیر نبوی بر طنز نویسی نسل‌های بعد توضیح می‌دهد: «بدون شک، شکل‌گیری نسل جدید طنزنویسان مطبوعاتی در دهه‌های ۸۰ و ۹۰، تحت‌تأثیر فعالیت‌های پرنگ نبوی در دهه ۷۰ بود. این تأثیر فقط محدود به جریان اصلاح‌طلبان نبود؛ بسیاری از طنزنویسان اصولگرا یا حتی غیرسیاسی نیز ادامه‌دهنده سبک‌های محتوایی و فرمی نبوی در طنز نویسی مطبوعاتی هستند.» مهربانی به خلاصیت نبوی در طنز نویسی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های او اشاره می‌کند: «او برخلاف برخی طنزنویسان که به‌دنبال آثار ماندگار بودند، در مطبوعات به سوزن‌های روز می‌پرداخت و مانند یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای تلاش می‌کرد از اتفاقات روز عقب نماند.» او درباره ویژگی واقع‌گرایی طنز نبوی می‌گوید: «اگر منظور از واقع‌گرایی، بیان حرف مردم کوچه و خیابان باشد، حرف بی‌راهی نیست. جایی از خود نبوی به‌نقل از صابری قومنی خواندم که گفته بود: طنز خوب، طنزی است که وقتی مردم آن را می‌خوانند و خنده‌شان می‌گیرد، بگویند این پدیده‌ساخته دارد حرف ما را می‌زند!» این طنزپرداز معتقد است البته این نگاه برای یک اثر مطبوعاتی که در رسانه منتشر می‌شود و می‌تواند تأثیر فراوانی در جامعه ایجاد کند، به‌تنهایی کافی نیست: «توجه به خطوط قرمزی که قوانین کشور و مصالح جامعه و نظام سیاسی تعیین می‌کنند، از الزامات حرفه‌ای فعالیت در رسانه‌های فراگیر است. گاهی اوقات نبوی از این حد فراتر می‌رفت و همین مسئله برای او دردسر ایجاد می‌کرد. این شاید یکی از تفاوت‌های مهم طنز گل‌آقایی با طنز نبوی باشد.»

مهربانی در پاسخ به این سؤال که طنز نبوی با افرادی مثل گل‌آقا چه تفاوت و اشتراک‌هایی دارد، می‌گوید: «نبوی و صابری اشتراکات فراوانی با هم دارند. هر دو از چهره‌های موفق طنزنویسی روزانه سیاسی به‌شمار می‌روند. صابری با ستون «دوگلمه حرف حساب» در دهه ۶۰ و نبوی با ستون‌هایی مثل «ستون پنجم» یا «بی‌ستون» در مطبوعات دهه ۷۰. هر دو دانش فراوان سیاسی، ادبی، تاریخی و حتی مذهبی داشتند. هر دو تجربه‌های سیاسی و مدیریتی بعد از انقلاب را داشتند. هر دو با جریان‌های مختلف فکری-سیاسی حشر و نشر داشتند و همه این ویژگی‌ها در نوشته‌ها و طنزهایشان دیده می‌شد.» او ادامه می‌دهد: «اما طنز صابری (گل‌آقا) در دهه ۶۰ متأثر از شرایط خاص دوران جنگ، طنزی وحدت‌بخش بود. کتاب‌هایی که به مسئولین زده می‌شد، به‌گونه‌ای نبود که تعبیر به مخالفت با نظام و تصمیمات دولتی شود، اما طنزهای نبوی گاهی به‌دلیل بی‌پرده بودن و شدت حرف‌های تند و تیزش، از خطوط قرمز مرسوم عبور می‌کرد.» مهربانی تأکید می‌کند نباید فراموش کرد که اساساً خندانند مخاطب در مطالب طنزآمیز، بدلیل همین بازی با خطوط قرمز است: «مخاطب وقتی می‌بیند که نویسنده از خط قرمزی عبور کرده، غافلگیر می‌شود و از آن غافلگیری می‌خندد. اما تفاوت نگاه گل‌آقایی با این نوع شوخ‌طبعی‌ها در همین‌جا است که زنده‌یاد منوچهر احترامی می‌گفت: طنزنویسی خوب است که روی خط قرمز راه برود و بنشیند، ولی رنگی نشود.»

طنز واقع‌گرایانه

«واقع‌گرایانه» بودن ستون‌های داور یکی از ویژگی‌هایی است که «فروزان آصف»، روزنامه‌نگار، در گفت‌وگو با «پیام ما» به آن اشاره می‌کند: «واقع‌گرایی نبوی از این جهت بود که اعتقاد داشت وضعیت تغییر نمی‌کند، مگر اینکه هر کس هر جایی که هست، وارد اصلاح اجتماعی شود و این اصلاح را پیش ببرد. نبوی شخصیتی بود که

دیوید لینچ درگذشت



دیوید لینچ، سینماگر بزرگ آمریکایی و خالق فیلم‌هایی همچون «جاده مال‌لاند» و «مرد فیل‌نما» و سریال «توتین پیکس»، در سن ۷۸ سالگی درگذشت. به‌گزارش ایسنا، لینچ متولد سال ۱۹۴۶ میلادی بود که مجموعه‌ای از آثار موفق سینمایی را در کارنامه دارد. «مرد فیل‌نما» اولین موفقیت سینمایی او بود که نامزد هشت جایزه اسکار شد. این فیلم جایزه بهترین فیلم خارجی‌ساز فرانسه

چهره

را نیز دریافت کرد. یکی از موفق‌ترین آثار کارنامه سینمایی لینچ «در قلب وحشی» است که در سال ۱۹۹۰ موفق به دریافت جایزه نخل طلای کن شد. در سال ۱۹۹۷ لینچ فیلم «بزرگراه گمشده» را ساخت. این فیلم در گیشه موفقیتی به‌دست نیاورد و نقدهای متنوع مثبت و منفی دریافت کرد. در سال ۲۰۰۱ بود که فیلم «جاده مال‌لاند» به‌عنوان یکی از آثار ماندگار لینچ به دنیای سینما آمد. این فیلم با نقش‌آفرینی «ناوومی واتس» جایزه بهترین کارگردانی جشنواره کن و نامزدی اسکار بهترین کارگردانی را برای لینچ به‌همراه آورد و «امپراتوری درون» نیز آخرین فیلم بلند اوست که در سال ۲۰۰۶ به سینما آمد که مورد توجه منتقدین قرار گرفت. لینچ پیش‌ازاین، تجربه حضور در عرصه بازیگری را دارد و در تمامی قسمت‌های سریال «توتین پیکس» در نقش «گوردن کول» مأمور FBI بازی کرده است و در چند فیلم چون «لوئی»، «نمایش کلید» و «لاکی» به عنوان بازیگر میهمان حضور داشته است. او در سال ۲۰۰۶ شیر طلایی افتخاری برای یک عمر دستاورد هنری و در سال ۲۰۱۹ جایزه افتخاری اسکار دریافت کرد. لینچ، چندی پیش در گفت‌وگویی با مجله سینمایی «سایت اند و ساند» فاش کرد که مدت زمان طولانی است که به‌دلیل سیگار کشیدن دچار بیماری آمفیوز و خانه‌نشین شده است.